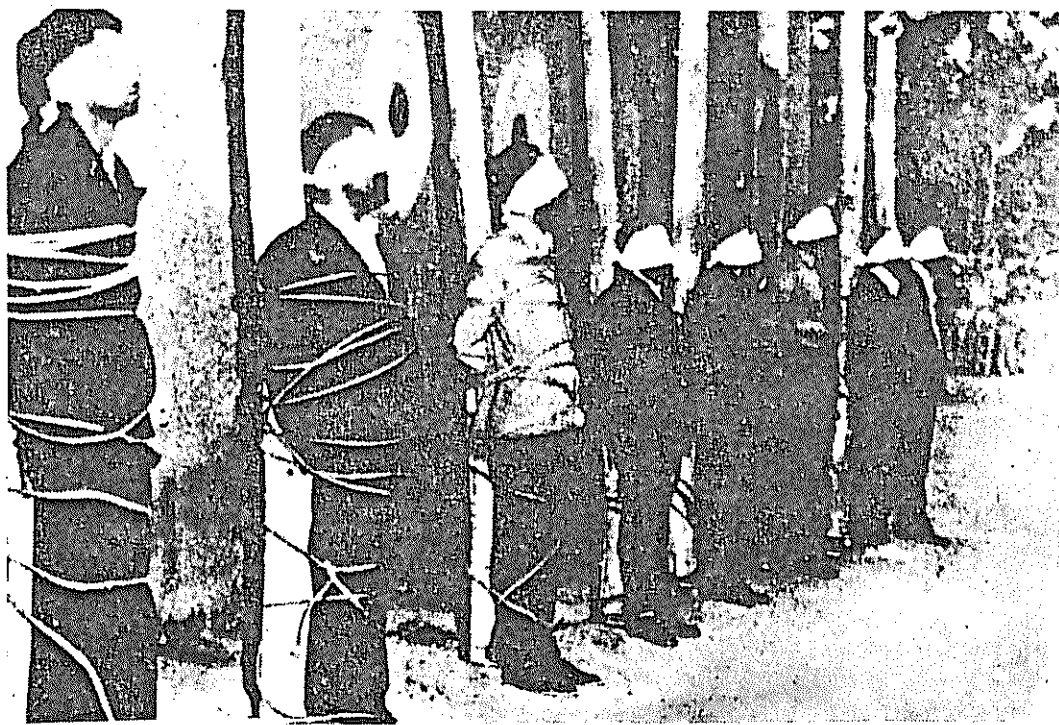


# خاطره‌ی تابناک افسران شهید توده‌ای جاودان باد



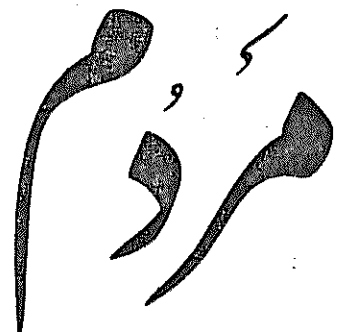
## صفحات ویژه سالگرد شهادت ۲۷ افسر توده‌ای

برادر سرهنگ سیامک :  
شهادت سرهنگ سیامک  
به ما افتخار و شرافت داد  
سنگه ۲

■ اعلام جرم علیه قاتلان  
افسران شهید توده‌ای  
سنگه ۳

■ اشعاری از : سیاوش  
کسرالی، ا.ه. سایه، محمد  
خلیلی و ن. اسپند

در صفحات ۲۶، ۲۷، ۲۸  
■ نامه منتشر نشده‌ای از  
مرتضی کیوان سنگه ۲  
■ گفتگو با همسران  
سرهنگ جمشیدی و  
مرتضی کیوان صفحات ۲ و ۳



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۶۹  
پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۳۵۸ - یکشنبه ۱۰ دیال

روز جمعه، ۲۷ مهرماه  
ساعت ۳ بعد از ظهر  
در زمین چمن دانشگاه صنعتی

## پیمان خود را برای ادامه راه افسران شهید توده‌ای تجدید کنیم!

۲۵ سال پیش، در ۲۷ مهر ماه ۱۳۳۳، گروه اول  
افسران عضو سازمان نظامی حزب توده ایران، مرکب از رتقا،  
ستوان یکم  
سرهنگ ژاندارمری  
سروان شهبانی  
سرهنگ دوم  
سرگرد ژاندارمری  
مهندس و شاعر  
سرهنگ دوم  
سروان شهبانی  
سروان شهبانی  
سرگرد حقوق دان

محمد رضا پنهان  
مصطفی بیانی  
حسین کلالی  
منصور گلپوری  
غلامحسین مصیبی  
احمد مهدیان

در ۱۷ آبانماه ۱۳۳۳، گروه سوم افسران عضو  
سازمان نظامی حزب توده ایران، مرکب از رتقا،  
سرهنگ دوم  
سرهنگ  
سرهنگ دوم  
ستوان یکم  
سرگرد

امیر افشار بکشلو  
محمد جلالی  
کاظم جمشیدی  
محمد باقر والی  
جعفر وکیلی

در ۲۶ مردادماه ۱۳۳۳، گروه چهارم افسران عضو  
سازمان نظامی حزب توده ایران، مرکب از رتقا،  
سرگرد  
سرگرد  
سروان  
ستوان یکم  
ستوان سوم هوایی

رحیم بهزاد  
ارسطوس روشیان  
اسمعیل معقی زاده  
منوچهر مختاری  
حسین مروان  
اسداله نصیری

روز مراسم، جمعه ۲۷ مهرماه ۱۳۵۸  
ساعت شروع مراسم، ساعت ۱۲:۰۰ ظهر  
محل تشکیل مراسم، زمین چمن دانشگاه صنعتی  
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۶ مهرماه ۱۳۵۸

# چرا مردم از انتخابات شوراهای شهر استقبال نکردند

انتخابات شوراهای شهر، در ۱۵۶ شهر (باستثنای ۶ شهر بزرگ) انجام گرفت و همانگونه که انتظار میرفت، بدلیل ایرادات و نقایص متعددی که در مورد نحوه برگزاری و محتوی آن وجود داشت و در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره انتخابات شوراهای شهر مود ۷ مهر نیز تذکر داده شده بود، با موفقیت رو برو نگردید و توده‌های مردم از آن استقبال چندانی بعمل نیاوردند. طبق گزارشهایی که تاکنون از جریان برگزاری انتخابات به ما رسیده، بدلیل اعمال نفوذها و روشهای غیردمکراتیک و عدم صلاحیت کافی انجمن‌های نظارت، انتخابات در بسیاری از شهرها با تشنج و درگیری همراه بوده است. تاکنون از جانب وزارت کشور نتایج انتخابات در ۷ شهر (منجمله رشت) باطل و در ۱۱ شهر متوقف شده است. آقای هاشم سبافیان وزیر کشور، طی سخنانی، ضمن اعلام برگزاری انتخابات، عدم استقبال کافی مردم را از انتخابات شوراهای شهر تأیید کرد و گفت:

«استقبال مردم برای شرکت در این انتخابات خوب نبود و این ناشی از عدم آگاهی مردم به نقش شوراهای شهر است و این آگاهی مربوط به فرهنگ مردم است که فکر می‌کنم با عملکرد یک دوره، نقش واقعی شوراهای برای مردم، حتی طبقات پست و هم روشن شود. ما فرصت کافی برای تبلیغ و آگاهی مردم نسبت به نقش شوراهای نداشتیم.»

(اطلاعات، ۲۳ مهر)

برای روشن شدن بیشتر مفهوم «خوب نبود» در مورد شرکت مردم در انتخابات با تأکید یادآور می‌شویم که در شهر رشت، با جمعیتی در حدود ۳۰۰ هزار نفر، تنها ۶۰۰۰ رای صندوق‌های ریخته شده است و در لاهیجان از ۶۳۰۰۰ نفر جمعیت تنها ۳۰۰۰ رای داده اند و در رودسر با جمعیتی در حدود ۳۰۰۰ نفر، تنها ۲۳۰۰ نفر برای صندوقهای رای رفته‌اند، که نفر اول نمایندگان شورا با ۱۳۰ رای وحشی فردی رای برگزیده شده‌اند!

و اما در مورد دلایل عدم استقبال مردم در انتخابات، آقای سبافیان صریحاً «نا آگاهی مردم» به نقش شوراهای را مسئول میدانند و وعده میدهند که با عملکرد یک دوره نقش واقعی شوراهای برای مردم، حتی طبقات پست و هم روشن میشود. یعنی ایشان به گذشته، انشالله دفعه آینده درست خواهد شد!

چه ساده است گناه خود را به گردن توده‌های مردم انداختن، نعمتی که در مملکت ما سابقه چندین سال دارد. هزاران سال است که مردم رنجیده و زحمتکش ما را به همین گناه متهم کرده‌اند و با همین بهانه بردوش آنها سوار شده‌اند. هزاران سال است که آنها را «بعدم درک منافع خود»، «عدم لیاقت برای آزادی»، «عدم رشد فکری و فرهنگی» و «عدم توانایی اداره امور خود» متهم کرده‌اند. هزاران سال است که به مردم چشم کوچک منبری تگریخته‌اند که قوم میخواد هزاران سال است که بیای مردم تصمیم گرفته‌اند، حقایق را از آنها پنهان کرده‌اند، خود کارها را به پیرانی و خرابی کشانده‌اند و آنها را مقصر خوانده‌اند که هر زمان که مردم رشد کردند و آگاه شدند و توانستند خود را اداره کنند، به آنها «حداکثر آزادی» خواهند داد. (خواهند داد!)

ولی مردم ثابت کردند که متهم نیستند، بلکه متهم کننده‌اند، به منافع و خواسته‌های خود نا آگاه نیستند، بلکه آتقدیر آگاهی دارند که ما بین رژیم منفر سلطنتی و جمهوری اسلامی تفاوت بگذارند و برای سرنگ کردن اولی و مستقر کردن دومی، هم از راه شهید بیدهند، اولی را که حقوق آنها را نقض میکرد و خواست آنها را در تعیین

بقیه در صفحه ۲

## درد حزب کمونیست اتحاد شوروی به انقلاب پیروزمند ایران

در شماره ۱۱۳ اکتبر (۲۲ مهر) روزنامه پرودا، شماره  
های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت  
شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر انتشار  
یافت.

در یکی از این شماره‌ها آمده است:  
درد و آتشون به مردم ایران که انقلاب ضد امپریالیستی  
و راهی بخش ملی را انجام دادند.»

بمناسبت چهلین روز شهادت

## نامه تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به همسر و فرزندان آیت‌الله طالقانی

### اطلاعیه

دبیرخانه کمیته  
مرکزی حزب توده  
ایران از همه اعضای،  
هواداران و دوستان  
حزب دعوت میکند که  
همراه سایر مردم ایران،  
ولادار مجاهد بزرگ  
آیت‌الله طالقانی، در  
مراسم چهارم درگذشت  
وی، که در روز پنجشنبه  
۲۶ مهر ماه، ساعت ۳  
بعد از ظهر، در بهشت زهرا  
صورت میگردد، شرکت  
کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی  
حزب توده ایران  
۲۶ مهرماه ۱۳۵۸

۲۰ روز اندر گذشت مجاهد

نستوه حضرت آیت‌الله العظمی  
طالقانی گشت. قلب مردم ایران  
همچنان از فقدان آن مجاهد  
بزرگ، انباشته از اندوه است.  
هنوز مردم ما، که آن مجاهد  
بزرگ را یکی از برجسته‌ترین  
رهبران جنبش ضد امپریالیستی و  
شد استبدادی خود میدانند، در  
سوک او نشسته‌اند. تاریخ ایران  
نام طالقانی را همواره بعنوان  
چهره‌ای درخشان که زندگی خویش  
را صرف مبارزه برای رهایی  
زحمتکشان و مستضعفان از یوغ  
امپریالیسم وارتجاع کرد، به خاطر  
خواهد داشت.

روشن بینی آن مجاهد بزرگ،  
این سخنان تابناک او که هر  
انقلاب علیه مظلوم و استبداد و علیه  
استعمار، در هر جای دنیا که باشد،  
همیشه در نظر مایک انقلاب اسلامی  
است و در همه‌ی راه‌های او برای استقرار  
جامه عدل و قسط، فراموش  
نشده‌ای است.

یکی از برجسته‌ترین  
خصوصیات آیت‌الله طالقانی، که  
محبت و احترام عمیق همه مبارزین  
راستین انقلاب را برمی‌انگیزد،  
اعتقاد عمیق او به ضرورت اتحاد  
نیروهای انقلابی بود. اتحادی که  
نیاز به آن، هر روز که میگردد،  
شروعی تر میشود.

با کمال تأسف، رادمردی که  
چنان میخواست دور راه پیروزی  
اندیشه‌هایش لحظه‌ای از مبارزه  
دست نکشد و رنج زندان و شکنجه  
را به جان خرید، دیگر در میان ما  
نیست. او در یکی از حساس‌ترین  
لحظات انقلاب ایران با چشمی  
نگران مارا ترک گفت.

کمیته مرکزی حزب توده  
دبیر اول: نورالدین کبائوری

حزب توده ایران  
راه حل مسالمت  
آمیز و مبتنی بر  
رفع ستم ملی از  
خلق کرد رايگان  
راه حل مسئله  
کردستان میداند  
و آماده است در  
این راه، با تمام  
نیرو و امکانات  
خود، به دولت  
موقت جمهوری  
اسلامی ایران  
صادقانه یاری کند

## خط مشی درباره حل مسئله کردستان

دو خط مشی یکلی جداگانه  
درباره حل مسئله کردستان چشم  
می‌خورد. یکی همان خط مشی  
فهر آمیز سستی است که از «سرکوب»  
و «پاکسازی» و «پهناک انداختن»  
سبب میکند و دیگری خط مشی  
است که از مذاکره و حل مسالمت  
آمیز و گشودن راه بسوی آرامش  
و برادری و اتحاد سخن میگردد.

خط مشی نخست، همان خط مشی  
است که کار را به ایجاد فاجعه  
کردستان کشانده و هنوز در نهایت  
جان سختی دست بردار نیست و گزارش  
نماید امام خمینی، که در روز  
مروم، انتشار یافت، پرده از برخی  
بقیه در صفحه ۲

# ما باز هم هشدار می دهیم

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

حجت الاسلام علی خامنه‌ای عضو شورای انقلاب، معاون وزارت دفاع و امام جمعه مسجد دانشگاه تهران گفت.

آنکه این جنبش راپه راه انداخته یک حزب نبود، یک تشکیلات نبود. ضربه‌ای که از این انقلاب بر امپریالیست وارد آمد، ضربه‌ای غیرقابل جبران می‌باشد و در همین زمان حلقه‌ای دیگر بوجود آمد، حلقه میان ایران انقلابی و فلسطین انقلابی و سوریه‌ای که می‌خواهد انقلابی عمل کند و مصری که باید

### حجت الاسلام خامنه‌ای: ضربه‌ای که از این انقلاب بر امپریالیسم وارد آمد غیر قابل جبران است

انقلابی شود. و اینها همه متکی بودند به نیروی عظیم ایران، برای مقاومت استراتژیکی مستان و مخصوص بخود. انقلاب ایران مانند بمبی بسوی کشتی باعظمت

مقداری از این کشتی کمواج با این موج شد، خورد و نابود گردید. امروز روزی است که دشمنان ما با استفاده از خواستش، جوش احساسات انقلابی در توده‌های مردم، در حال ضربه زدن به ما میباشند و این ضریبات را با ناامیهای گوناگون وارد می‌کنند. این ضریبات را از جهتهای گوناگون بر ما وارد می‌کنند. باید ملتشد ضربه بشوند.

و غول پیکر دشمنان با سرعت هرچه تمامتر راه افتاده بود با قدرت هرچه تمامتر می‌آمد بپلور. اگر این کشتی در مقابل این موج مقاومت میکرد، یقیناً خرد میشد. آن

### ۲ خط مشی درباره حل مسئله کردستان

بقیه از صفحه ۱  
ایماد آن بر می‌دارد. خط مشی دوم، که از منظر انسانی و منطقی نظام نوین انقلابی ما نشئت می‌کند، آقای داریوش فروغی مامور راه‌گشایی و مشکل‌گشایی آنست، آن خط مشی است که از بزرگ و توقع واقعی انقلاب در ایران و ضرورت برکنند نهادهای رژیم طاغوتی سرچشمه می‌گردد، خط مشی است که متشاعران احساس احترام به انسان و الزام پذیرفتن حقانیت حرف‌حق است.

ما خنظم می‌سویم سرکوب را مردود و عمیقاً مضرب‌مدانیم و در مقابل آن از ابتکار عمیقاً انسانی رهبران انقلاب در اعزام پیک صلح و برادری به کردستان، با تمام نیرو و پیشه‌بانی می‌کنیم.

ما برادران و خواهران عزیز کرد خود را مورد خطاب قرار می‌دهیم و از آنها انتظار داریم که برای پیروزی خط مشی صلح و برادری و راه حل مسالمت‌آمیز، کلیه نیروی منطقی و رشادت اخلاقی و شجاعت سیاسی خود را بکار برند و برای تأمین موفقیت مذاکرات از هیچ کوششی دریغ ننمایند. از سوی دیگر، رهبران جمهوری اسلامی ایران را فرا می‌خوانیم که بر بدگوییها، سب‌ها، گزافه‌های دروغ و اذیت‌ناگوار روحی ناشی از حوادث گذشته فائق آیند، و اقامت و جسود خلق ستم‌دیده کرد را، آنطور که هست، ببینند و با دفع ستم ملی از این خلق آزاده و قهرمان، آنرا به سرباز و پاسدار انقلاب ایران تبدیل سازند. ما خواهان آنیم که روح واقعی، صمیمیت، انسان دوستی، تقاض و تأمین عدالت بر جوهر مذاکرات کردستان حکمروایی کند.

ایست یگانه راه تأمین آرامش، اتحاد خلقها و نیروهای انقلابی و ایجاد محیط مساعد برای مهربانها، که با کاستن بندهای اسارت، شدیدترین کینه‌امپریالیسم پس‌گردگی امپریالیسم امریکای صهیونسم خونخوار را بشود و جلوه نموده و برای مقابله با این دشمنان بشریت باید راه‌ماجرای تنصیب، نفاق و پیراکنندگی را با تمام قوا سد کنند. مهربانها نه نیروی زائده، نه پول بادآور و نه وقت آنرا دارند که در کوره‌های گردستان خود را درگیر ماجراهای بیگلی می‌نمایند. ما باید تمام نیروی خود را برای وحدت کلمه و وحدت عمل و ایجاد یک جهاد همگانی سازندگی، بمنظور سامان دادن به آزادی و خرابی موروث طاغوت بکار ببریم و نه برای «دام کردن» کردستان که نظام جمهوری اسلامی ایران را پذیرفته است و فقط خواهان حق مشروع خویش است.

### رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، راپا استفاده از تمام امکانات، بوسیله گسترین شکل کثیرن کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه می‌رم انقلابی است.

## چرا مردم از انتخابات شوراهای شهر استقبال نکردند؟...

و تحلیل بردن شورورازی گرفتار انقلابی آنها تمام شده است و آید این عجله، چیزی بیش از یک ندامت‌کاری و بی‌برنامگی معمولی دولت نمی‌توان دید!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران «عدم رعایت اصل دموکراتیک در تشکیل انجمن نظارت انتخابات از تمامی احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی» را در لایحه انتخابات یادآوری میکند و آنرا از جمله نقائص عمده لایحه می‌شمارد. به این یادآوری نوجوهی نمیشود و در عمل انجمن نظارت بر انتخابات، خود عاملی میشود برای ایجاد تشنج در میان مردم، سلب اعتماد و اعتراض آنها.

حزب جمهوری اسلامی، در اعتراض به انتخابات شوراهای شهر، «اعمال نفوذ بعضی مقامات مسئول فرماندارها و استاندارها و وزارت کشور و رفتار غیر قانونی مستقیم و غیر مستقیم آنها را یادآوری میکند و آقای وزیر کشور هم به عدولت بی‌طرفی میان نظارت و هیئت اجرایی در تعدادی از شهرها، کم‌توجهی بدرگیری هائی شده، اعتراض می‌کند.

در برخی شهرها، هیات نظارت، بدون هیچ دلیل، کاندیداهای حزب توده ایران را، که اکثرآ از کارگران و زحمتکشان با سابقه و پاکدامن و مورد اعتماد مردم بودند، از لیست کاندیدها حذف کردند و راهی به عدم صلاحیت آنها دادند. در بسیاری از شهرها مردم نسبت به ترکیب هیات نظارت متعصب بودند و اعتراض آنها این بود که، این هیات از سرمایه‌داران و رؤسای ادارات تشکیل شده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه خود، «عدم تعیین وظایف و اختیارات شوراهای شهر» را از طرف وزارت کشور، یکی دیگر از نقائص جدی لایحه دانست و متذکر شده که محتوی شوراهای برای مردم ناشناخته است و اینکه چگونه مردم می‌توانند در انتخابات شرکت کنند که حدود و اختیارات و وظایف ارگانهای انتخاب شونده آن هنوز مشخص نیست؟ و به تحقیق این عامل را نیز باید یکی از عوامل مهمی دانست که مردم را نسبت به شرکت در انتخابات مردم و بی‌تفاوت ساخته است.

کوتاه سخن، انتخابات شوراهای شهر، شکست آشکاری بود برای آن سیاستهایی که در حرف از مردم سخن می‌گویند، ولی در عمل پانده‌انگاریها و محدود ساختن دامنه ابتکار و عمل مردم، آنها را کوچک می‌شمارند و تحقیر می‌کنند. بی‌تفاوتی مردم در انتخابات شوراهای شهر، اعتراضی به عملکرد این سیاستها بود. ولی بیگمان در این بی‌تفاوتی خطر بزرگی نیز پنهان می‌گردد که اگر هر چه سریعتر مقامات مسئول و زمامداران کشور به مقابله با آن بر نیندیشند، می‌تواند برای انقلاب ما فاجعه آفرین باشد. انقلاب ما در حفظ دستاوردهای خود و گسترش آن، به اعتماد مردم، به روحیه انقلابی مردم، نیاز حیاتی دارد. از دست رفتن هر ذره‌ای از این اعتماد و روحیه تضییع جبهه انقلاب و رهبری انقلاب و در مقابل، تقویت جبهه امپریالیسم و ارتجاع است که با تمام نیروی خود برای نابود ساختن انقلاب با درک توطئه است. اقدامات ناسنجیده مقامات مسئول، عدم تحقق وعده‌های مقامات رهبری، اتحاد و روحیه انقلابی در مردم فرو می‌کوبد و بجای آن یاس و دل‌مردگی قرار می‌دهد. تنهایی خواندن مردم بدخالت واقعی در سرنوشت خود و انقلابشان و جلوگیری از کارشکنی در این دامنه‌ها، این اعتماد و روحیه را پدید آورد و آنرا چون گوهی گریزناک حفظ کند.

انتخابات شوراهای شهر بهیچوجه در این جهت سیر نکرد، تا جایکه حزب جمهوری اسلامی در اعلامیه خود اعتراف میکند که: «آنها امیدها که در دل مردم پس از افشاشات امام و توصیه‌های مرحوم طالقانی بوجود آمده بود تا مردم از میان خود بهترینان را انتخاب کنند و رتق و فتق امور شهرشان را با شناخت کامل به مسائل جاری خود بدست گیرند همه بر باد رفت و در بعضی از نقاط به یاس مبدل گردید».

آیا دولت و مسئولین امور از این تجربه تلخ درس خواهند گرفت؟

نیست، تورم دارد بر زخمل نزدیک میشود پیکری و کم‌کاری و کشتن تولید و... افق آینده نزدیک و دور این اقتصاد را تاریک کرده است.

(انقلاب اسلامی - ۱۵ مهر) ۲۴ هزار پرسش از ایران رفته اند

بزرگان... بملت اعمال فشارهای گوناگون، کارپوشی را در درون کشور ترک کرده و با با کار شکنهای خود موجب خرابی هر چه بیشتر امور بهداشتی و درمانی میشوند و احوال زور و دیکتاتوری نیز متغیر با ایدئولوژی اسلامی و خارج از برنامه دولت است.

اگر چه آماری موجود نیست، ولی بنظر می‌رسد که تا ۲۴ هزار پرسش در چند ماه اخیر به خارج رفته‌اند. نکته‌ای که بیشتر موجب تأسف است، پدیده‌ای است که اگر چه از اوست آن اطلاع صحیحی در دست نیست، ولی وضع پزشکی ما را در شهرستانها با خطرات فراوان روبرو میکند. این پدیده مسافرت اطباء تهرانی به خارج و جایگزینی آنها توسط اطباء شهرستانها است.

(انقلاب اسلام - ۱۶ مهر)

بازم در نقطه‌ای از کشور حادثه ناگواری پیش آمد. در بندر انزلی، جائیکه شاید کمتر از هر جای دیگر انتظارش معرفت، حادثه‌ای آفریده شد، که بنا بر خبرهای رسمی ۱۳ کشته و ۱۰۰ زخمی بجای گذاشت و موجی از هیجان و خشم و نگرانی بوجود آورد. محتوای حادثه بهیچوجه با نتایج دردناکی که بار آورده، انطباق ندارد، ظاهر مسئله اینست که دولت میخواهد صدماتی را تحت کنترل در آورد و به صیادانسی که در شرکت تعاونی گرد آمده‌اند، اجازه میدهند و صیادان آزاد، کمدل ممانی دیگری ندارند، میخواهند این محدودیت از میان برود و اینان نیز در صید ماهی و فروش آن آزاد باشند.

این موضوع تازه نیست، یکی از صدها اریه شور رژیم سابق است، که از سالها و سالها پیش مطرح بوده و مسئولین امور در گذشته نتوانستند راه‌حلی برای آن بیابند. اینک، در زمان انقلاب، انتظار میرفت که مقامات مسئول با این مسئله در از ریشه و برای همیشه حل کنند و یا اگر چنین امکانی نیست، با احساس مسئولیت در برابر انقلاب، راهی برای توافق بیابند، که متأسفانه این کار انجام نشده است.

پس اگر توجه کنیم که درست از فرای انقلاب، موضوع مورد اختلاف، با تمام وسعت و وساحت در برابر مقامات دولتی و مسئولین شیلات مطرح شده و اینک هشت ماه است که پشت جلوه و سمندار پشت سمندار تشکیل شده و حاصل‌خیز این جملات فقط تشدید اختلافات و حتی تا زمان زدن به آن بوده و در این اختلاف، صیادان تعاونی، که بیش از چهار هزار نفرند پیش از این از زده سالست که بطور منظم زحمت میکنند و طبیعتی است حقوقی دارند که باید منظور شود. این نود و زحمتکش تاکنون هیچ گونه تأمین نداشته‌اند و ندارند، صیادان آزاد نیز به صورتی مجمل مشارکتیگری ندارند، و با اینکه تحت نظر آوردن صیادان امر معمولی است، نمیتوان بدون توجه به زندگی مردم زحمتکش ساحل نشین به حل عاقلانه و عادلانه آن دست یافت. هشت ماهی که از انقلاب می‌گذرد فرصت کافی بدست میداد که موضوع مورد اختلاف، لااقل موقتاً برای لحظه‌ای کنونی بود انقلاب حل شود. و از این پدیده‌های حاد و ناسی که موجب تضییع مواضع انقلاب است، اجتناب گردد.

مقامات حاکم و مسئولین شیلات در این زمینه بطور جدی مسئولیت دارند. درباره سوابق برخی از این افراد که در رژیم سابق، از اردیبهشت تا تابستان ۱۳۵۷، بسیاری از مراحل را طی کرده و خشمگین را مطالب فراوان گفته میشود که، ضرورتی برای اینکه بر آنها نمی‌بینیم. برای ما این موضوع اهمیت دارد که مقامات مسئول نتوانستند و یا نتوانستند با مسئله صیادان در چارچوب مناقص انقلاب حل کنند و متأسفانه این نتوانستن و نتوانستن در مقامات کشور پیشتر می‌نمود. بسیاری درها بر همان پاشنه می‌گردد و بسیاری دستها زمینه برای حادثه آفرینی می‌چینند.

از سوی دیگر، طی هشت ماه گذشته، گروههای ماجراجو، عوامل رژیم سابق و محافظی که توجهی به نتایج نهائی اقدامات خود ندارند، در میان صیادان آزاد مشغول فعالیت خرابکارانه بودند و این گروه خشمگین را موافق مقاصد خود تحریک و متشکل می‌کنند. در روز حادثه - ۲۳ مهرماه - در میان موج خشم آنگین صیادان آزاد، که میخواستند جلوسید را تا زمانیکه به آنها هم اجازه میدادند نشده - بگیرند، افرادی دیده شدند که وسائل آتش سوزی و مواد منفجره حمل می‌کردند تا زمانیکه حادثه آفریننده شد، بر شعله آن بفرزاندند و از برای با به کردستان فریاد زدند. شهادت ما «ایران را سراسر کردستان می‌کنیم»، «انزلی - کردستان پیوندتان مبارک»، «مرگ بر پاسدار»، «ارتش برادر ماست» از جانب این محافظ مطرح میشد، از جمله با این هدف که ارتش و پاسداران را در مقابل هر قدری از در تراکت‌هایی که بلافاصله پس از حادثه از جانب گروهک‌های مشغول الهویه به اصطلاح انقلابی در انزلی منتشر شده، مردم به مبارزه علیه رژیم فاشیستی کنونی، دعوت شده‌اند. در یکی از این تراکت‌ها که به امضای «گروه انقلابی کولاه منتشر شده» از مردم انزلی دعوت شده است که «سوک بخون خفته را به گسار زار مبارزه علیه رژیم وابسته و خونخوار حاکم گیدیل کنید».

چنین است نمونه تازه‌ای از حادثه آفرینی ضد انقلابی، تبدیل کردن مسئله ساده صید ماهی به شهادت سوزی و سپس کوشش برای تبخیر آن به کارزار علیه انقلاب.

ما یکبار دیگر همدار می‌دهیم، بر نیروهای صید انقلاب است که دست بدست هم بدهند. ندانم کارهای بی‌لیاقتیها و خرابکارهای عدوی را افشا کنند. از حادثه سازی، پهرتگی که باشد، پهریزند و با نیروی متحد در برابر ضد انقلاب، که در کمین است، صف بپندند. اتحاد، تجهیز همه نیروها و استفاده از همه امکانات انقلابی، تنها وسیله پیشبرد انقلاب است.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۵ مهر ماه ۱۳۵۸

بیشی از فرماندهان پاسداران انقلاب تبریز در تهران ساخت و یاخت کرده بودند و در تبریز هم با گفند، اینها صلاحیت ندارند. در دفاع برای تبریز این شناخته شده نیستند.

آیت‌الله قاضی طباطبائی افزود: مشاهده کردیم که این افراد چگونه در کیمت سزاسکند راهیم زده بودیم و کمیته دیگری در آنجا تشکیل شده بود و اگر چنانچه کمیته آنجا صلاح نبود به ما اطلاع میدادند تا افراد کمیته را تخلیه کنیم و کار بدون سر و صدا فیصله یابد، ولی در بنابهم مسائلی ایجاد کردند و از اینها گفتند شهادت در میان تو آب هم کسی را در راس سپاه پاسداران گذاشته‌اند که تنها صلاحیت احراز این وظیفه را ندارند، بلکه سواق سوء، نیز دارند.

(آیت‌الله قاضی - نماینده امام در تبریز - کسان - ۱۶ مهر)

بازار توطئه‌ها از نو گرم شده چند روزی است که از نو بازار توطئه گرم شده است. در خوزستان، در کردستان در تهران و... توطئه‌ها بی‌دردی انجام می‌گیرند. ترور نیز همچنان بر جاست، گروه‌هایی که خود ما که می‌کنند و حکم قیابا می‌سازند و کشته و باجرا می‌گذارند نیز بخورد مشغولند...

حق این بود که بجای سرفقاله، کلمه دهنده را در سرفش می‌کردیم و آنرا تا پالین سرفشه تکرار می‌کردیم، بلکه همه کسانی که مسؤول امورند بخود می‌آمدند و بگرد هم جمع میشدند و با هم حرف‌هاشان را یکی می‌کردند و بجد مشغول حل مسائل اساسی کشور میشدند، چندانبار نوشته‌ای که وضع اقتصاد کشور همه خوب

بیشی از فرماندهان پاسداران انقلاب تبریز در تهران ساخت و یاخت کرده بودند و در تبریز هم با گفند، اینها صلاحیت ندارند. در دفاع برای تبریز این شناخته شده نیستند.

آیت‌الله قاضی طباطبائی افزود: مشاهده کردیم که این افراد چگونه در کیمت سزاسکند راهیم زده بودیم و کمیته دیگری در آنجا تشکیل شده بود و اگر چنانچه کمیته آنجا صلاح نبود به ما اطلاع میدادند تا افراد کمیته را تخلیه کنیم و کار بدون سر و صدا فیصله یابد، ولی در بنابهم مسائلی ایجاد کردند و از اینها گفتند شهادت در میان تو آب هم کسی را در راس سپاه پاسداران گذاشته‌اند که تنها صلاحیت احراز این وظیفه را ندارند، بلکه سواق سوء، نیز دارند.

(آیت‌الله قاضی - نماینده امام در تبریز - کسان - ۱۶ مهر)

بازار توطئه‌ها از نو گرم شده چند روزی است که از نو بازار توطئه گرم شده است. در خوزستان، در کردستان در تهران و... توطئه‌ها بی‌دردی انجام می‌گیرند. ترور نیز همچنان بر جاست، گروه‌هایی که خود ما که می‌کنند و حکم قیابا می‌سازند و کشته و باجرا می‌گذارند نیز بخورد مشغولند...

حق این بود که بجای سرفقاله، کلمه دهنده را در سرفش می‌کردیم و آنرا تا پالین سرفشه تکرار می‌کردیم، بلکه همه کسانی که مسؤول امورند بخود می‌آمدند و بگرد هم جمع میشدند و با هم حرف‌هاشان را یکی می‌کردند و بجد مشغول حل مسائل اساسی کشور میشدند، چندانبار نوشته‌ای که وضع اقتصاد کشور همه خوب

بیشی از فرماندهان پاسداران انقلاب تبریز در تهران ساخت و یاخت کرده بودند و در تبریز هم با گفند، اینها صلاحیت ندارند. در دفاع برای تبریز این شناخته شده نیستند.

آیت‌الله قاضی طباطبائی افزود: مشاهده کردیم که این افراد چگونه در کیمت سزاسکند راهیم زده بودیم و کمیته دیگری در آنجا تشکیل شده بود و اگر چنانچه کمیته آنجا صلاح نبود به ما اطلاع میدادند تا افراد کمیته را تخلیه کنیم و کار بدون سر و صدا فیصله یابد، ولی در بنابهم مسائلی ایجاد کردند و از اینها گفتند شهادت در میان تو آب هم کسی را در راس سپاه پاسداران گذاشته‌اند که تنها صلاحیت احراز این وظیفه را ندارند، بلکه سواق سوء، نیز دارند.

(آیت‌الله قاضی - نماینده امام در تبریز - کسان - ۱۶ مهر)

بازار توطئه‌ها از نو گرم شده چند روزی است که از نو بازار توطئه گرم شده است. در خوزستان، در کردستان در تهران و... توطئه‌ها بی‌دردی انجام می‌گیرند. ترور نیز همچنان بر جاست، گروه‌هایی که خود ما که می‌کنند و حکم قیابا می‌سازند و کشته و باجرا می‌گذارند نیز بخورد مشغولند...

حق این بود که بجای سرفقاله، کلمه دهنده را در سرفش می‌کردیم و آنرا تا پالین سرفشه تکرار می‌کردیم، بلکه همه کسانی که مسؤول امورند بخود می‌آمدند و بگرد هم جمع میشدند و با هم حرف‌هاشان را یکی می‌کردند و بجد مشغول حل مسائل اساسی کشور میشدند، چندانبار نوشته‌ای که وضع اقتصاد کشور همه خوب

بیشی از فرماندهان پاسداران انقلاب تبریز در تهران ساخت و یاخت کرده بودند و در تبریز هم با گفند، اینها صلاحیت ندارند. در دفاع برای تبریز این شناخته شده نیستند.

آیت‌الله قاضی طباطبائی افزود: مشاهده کردیم که این افراد چگونه در کیمت سزاسکند راهیم زده بودیم و کمیته دیگری در آنجا تشکیل شده بود و اگر چنانچه کمیته آنجا صلاح نبود به ما اطلاع میدادند تا افراد کمیته را تخلیه کنیم و کار بدون سر و صدا فیصله یابد، ولی در بنابهم مسائلی ایجاد کردند و از اینها گفتند شهادت در میان تو آب هم کسی را در راس سپاه پاسداران گذاشته‌اند که تنها صلاحیت احراز این وظیفه را ندارند، بلکه سواق سوء، نیز دارند.

(آیت‌الله قاضی - نماینده امام در تبریز - کسان - ۱۶ مهر)

## ماباز هم هشدار میدهیم

بازم در نقطه‌ای از کشور حادثه ناگواری پیش آمد. در بندر انزلی، جائیکه شاید کمتر از هر جای دیگر انتظارش معرفت، حادثه‌ای آفریده شد، که بنا بر خبرهای رسمی ۱۳ کشته و ۱۰۰ زخمی بجای گذاشت و موجی از هیجان و خشم و نگرانی بوجود آورد. محتوای حادثه بهیچوجه با نتایج دردناکی که بار آورده، انطباق ندارد، ظاهر مسئله اینست که دولت میخواهد صدماتی را تحت کنترل در آورد و به صیادانسی که در شرکت تعاونی گرد آمده‌اند، اجازه میدهند و صیادان آزاد، کمدل ممانی دیگری ندارند، میخواهند این محدودیت از میان برود و اینان نیز در صید ماهی و فروش آن آزاد باشند.

این موضوع تازه نیست، یکی از صدها اریه شور رژیم سابق است، که از سالها و سالها پیش مطرح بوده و مسئولین امور در گذشته نتوانستند راه‌حلی برای آن بیابند. اینک، در زمان انقلاب، انتظار میرفت که مقامات مسئول با این مسئله در از ریشه و برای همیشه حل کنند و یا اگر چنین امکانی نیست، با احساس مسئولیت در برابر انقلاب، راهی برای توافق بیابند، که متأسفانه این کار انجام نشده است.

پس اگر توجه کنیم که درست از فرای انقلاب، موضوع مورد اختلاف، با تمام وسعت و وساحت در برابر مقامات دولتی و مسئولین شیلات مطرح شده و اینک هشت ماه است که پشت جلوه و سمندار پشت سمندار تشکیل شده و حاصل‌خیز این جملات فقط تشدید اختلافات و حتی تا زمان زدن به آن بوده و در این اختلاف، صیادان تعاونی، که بیش از چهار هزار نفرند پیش از این از زده سالست که بطور منظم زحمت میکنند و طبیعتی است حقوقی دارند که باید منظور شود. این نود و زحمتکش تاکنون هیچ گونه تأمین نداشته‌اند و ندارند، صیادان آزاد نیز به صورتی مجمل مشارکتیگری ندارند، و با اینکه تحت نظر آوردن صیادان امر معمولی است، نمیتوان بدون توجه به زندگی مردم زحمتکش ساحل نشین به حل عاقلانه و عادلانه آن دست یافت. هشت ماهی که از انقلاب می‌گذرد فرصت کافی بدست میداد که موضوع مورد اختلاف، لااقل موقتاً برای لحظه‌ای کنونی بود انقلاب حل شود. و از این پدیده‌های حاد و ناسی که موجب تضییع مواضع انقلاب است، اجتناب گردد.

مقامات حاکم و مسئولین شیلات در این زمینه بطور جدی مسئولیت دارند. درباره سوابق برخی از این افراد که در رژیم سابق، از اردیبهشت تا تابستان ۱۳۵۷، بسیاری از مراحل را طی کرده و خشمگین را مطالب فراوان گفته میشود که، ضرورتی برای اینکه بر آنها نمی‌بینیم. برای ما این موضوع اهمیت دارد که مقامات مسئول نتوانستند و یا نتوانستند با مسئله صیادان در چارچوب مناقص انقلاب حل کنند و متأسفانه این نتوانستن و نتوانستن در مقامات کشور پیشتر می‌نمود. بسیاری درها بر همان پاشنه می‌گردد و بسیاری دستها زمینه برای حادثه آفرینی می‌چینند.

از سوی دیگر، طی هشت ماه گذشته، گروههای ماجراجو، عوامل رژیم سابق و محافظی که توجهی به نتایج نهائی اقدامات خود ندارند، در میان صیادان آزاد مشغول فعالیت خرابکارانه بودند و این گروه خشمگین را موافق مقاصد خود تحریک و متشکل می‌کنند. در روز حادثه - ۲۳ مهرماه - در میان موج خشم آنگین صیادان آزاد، که میخواستند جلوسید را تا زمانیکه به آنها هم اجازه میدادند نشده - بگیرند، افرادی دیده شدند که وسائل آتش سوزی و مواد منفجره حمل می‌کردند تا زمانیکه حادثه آفریننده شد، بر شعله آن بفرزاندند و از برای با به کردستان فریاد زدند. شهادت ما «ایران را سراسر کردستان می‌کنیم»، «انزلی - کردستان پیوندتان مبارک»، «مرگ بر پاسدار»، «ارتش برادر ماست» از جانب این محافظ مطرح میشد، از جمله با این هدف که ارتش و پاسداران را در مقابل هر قدری از در تراکت‌هایی که بلافاصله پس از حادثه از جانب گروهک‌های مشغول الهویه به اصطلاح انقلابی در انزلی منتشر شده، مردم به مبارزه علیه رژیم فاشیستی کنونی، دعوت شده‌اند. در یکی از این تراکت‌ها که به امضای «گروه انقلابی کولاه منتشر شده» از مردم انزلی دعوت شده است که «سوک بخون خفته را به گسار زار مبارزه علیه رژیم وابسته و خونخوار حاکم گیدیل کنید».

چنین است نمونه تازه‌ای از حادثه آفرینی ضد انقلابی، تبدیل کردن مسئله ساده صید ماهی به شهادت سوزی و سپس کوشش برای تبخیر آن به کارزار علیه انقلاب.

ما یکبار دیگر همدار می‌دهیم، بر نیروهای صید انقلاب است که دست بدست هم بدهند. ندانم کارهای بی‌لیاقتیها و خرابکارهای عدوی را افشا کنند. از حادثه سازی، پهرتگی که باشد، پهریزند و با نیروی متحد در برابر ضد انقلاب، که در کمین است، صف بپندند. اتحاد، تجهیز همه نیروها و استفاده از همه امکانات انقلابی، تنها وسیله پیشبرد انقلاب است.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۵ مهر ماه ۱۳۵۸

بیشی از فرماندهان پاسداران انقلاب تبریز در تهران ساخت و یاخت کرده بودند و در تبریز هم با گفند، اینها صلاحیت ندارند. در دفاع برای تبریز این شناخته شده نیستند.

آیت‌الله قاضی طباطبائی افزود: مشاهده کردیم که این افراد چگونه در کیمت سزاسکند راهیم زده بودیم و کمیته دیگری در آنجا تشکیل شده بود و اگر چنانچه کمیته آنجا صلاح نبود به ما اطلاع میدادند تا افراد کمیته را تخلیه کنیم و کار بدون سر و صدا فیصله یابد، ولی در بنابهم مسائلی ایجاد کردند و از اینها گفتند شهادت در میان تو آب هم کسی را در راس سپاه پاسداران گذاشته‌اند که تنها صلاحیت احراز این وظیفه را ندارند، بلکه سواق سوء، نیز دارند.

(آیت‌الله قاضی - نماینده امام در تبریز - کسان - ۱۶ مهر)

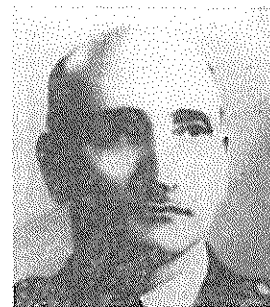
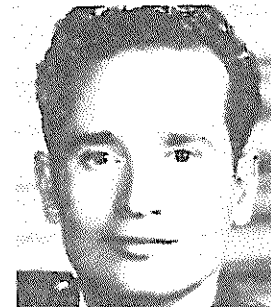
بازار توطئه‌ها از نو گرم شده چند روزی است که از نو بازار توطئه گرم شده است. در خوزستان، در کردستان در تهران و... توطئه‌ها بی‌دردی انجام می‌گیرند. ترور نیز همچنان بر جاست، گروه‌هایی که خود ما که می‌کنند و حکم قیابا می‌سازند و کشته و باجرا می‌گذارند نیز بخورد مشغولند...

حق این بود که بجای سرفقاله، کلمه دهنده را در سرفش می‌کردیم و آنرا تا پالین سرفشه تکرار می‌کردیم، بلکه همه کسانی که مسؤول امورند بخود می‌آمدند و بگرد هم جمع میشدند و با هم حرف‌هاشان را یکی می‌کردند و بجد مشغول حل مسائل اساسی کشور میشدند، چندانبار نوشته‌ای که وضع اقتصاد کشور همه خوب

### از انتشارات حزب توده ایران

عنوان: گفتاری درباره امپریالیسم نوآرالدین کیا نوری  
برخی مسائل حاد انقلاب ایران احسان لمبری (مجموعه‌ای از مقالات منتشره در «مردم»)  
اقتصاد سیاسی (در سه جلد) ف. جوانشیر  
ماتریالیسم دیالکتیک (در سه جلد) کتاب اول) امیر نیک‌آمین  
ماتریالیسم تاریخی (در سه جلد) کتاب دوم) امیر نیک‌آمین  
چهره‌های درخشان مرع فیروز  
دوره‌های پیاواریا  
(مجموعه‌ای از اظهارات نمایندگان و شخصیهای خارجی درباره کشور و شوراها، ددورانی از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر) گردآورنده: ف. جوانشیر  
حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات منتشره در «مردم»)





سرهنگ دوم محمدعلی مبشری

سپهبد و شاعر مرتضی کیوان

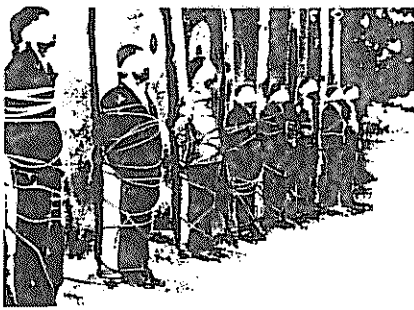
سرگرد ژاندارمری نصرالله عطارد

سرهنگ دوم نعمت‌الله عزیزی نمینی

سروان شهبانی نورالله شفا

سرهنگ ژاندارمری عزت‌الله سیامک

ستوان یکم عباس افراخته



# خاطر هتابناک افسران شهید توده‌ای جاودان باد!

برادر سرهنگ سیامک: شهادت و نام سیامک، به ما افتخار و شرف داد

سحر میشد. سحری خاکستری و شوم بر سر سایه‌های من می‌گرفت. شهریزاد صدای پای چکمه‌پوشان بود. سکوت بود. سکوت اجباری. باد خنک پاییزی، صدای خرخرخ لباس‌های نظامی را می‌زدید و کند نفس دژخیمان را به کلاه‌های ستم شاهی می‌برد.

فرمان این بود، اختناق! ناگهان، توفان شد. از جای فریادهای خشم و خروش برخاست، - زنده باد ایران! -

بانگی، بر این فریاد پیشی گرفت، - زنده باد حزب توده ایران! -

دریائی از خشم جاری بود. صدا در صدا می‌افتاد. - مرگ پادشاه خائن! -

صداها توفان بود. توفان میشد. صداها از زمینان تیرمی آمد. آنگاه کسی فرمان داد، - آتش! -

صداهایی پاسخ دادند، - زنده باد حزب توده ایران! -

زنده باد ایران! -

مرگ پادشاه خائن! -

صداها توفان بود. بانگ شلیک جلاخان در این توفان گشت. توفان صداها که فرونشست، همه سپیددمان ایران خوتین بود. اینجا، بر چو بهای اعدام، از سینه اعدام‌شدگان، شقایق می‌ریخت و نام، حماسه میشد.

ستوان یکم عباس افراخته  
- سرهنگ عزت‌الله سیامک  
- سروان شهبانی نورالله شفا  
- سرهنگ نعمت‌الله عزیزی نمینی  
- سرگرد نصرالله عطارد  
- سپهبد و شاعر مرتضی کیوان  
- سرهنگ ۴ محمدعلی مبشری  
- سروان شهبانی نظام‌الدین مدنی  
- سروان شهبانی محمدعلی واعظ‌قائمی  
- سرگرد حقوق‌دان هوشنگ وزیریان

دژخیم که تیر خلاص را شلیک کرد، ارواح شملور ۱۰ رفیق توده‌ای، توفان بود. سرود حماسه بود که از کوفه‌ها عبور می‌کرد، مهابتی خانه‌ها را درمی‌نوردید و قلب‌ها را از اندوه و خشم می‌انباشت. در ره توفان بود. توفانی که سرانجام تخت‌خونین سلطنت را سرنگون کرد.



## رفقای شهید سرهنگ مبشری و سرگرد وزیریان در آخرین لحظات حیات: چشم‌انمان را نبندید تا لوزش دست دشمن را ببینیم...

خطر قرار می‌داد. شاه افسرانی میخواست رام، بی‌اراده و چاپلوس. او ارتشی میخواست که از افسران، درجه‌داران و سربازان مترقی و میهن‌پرست و آزادخواه تهی باشد، تا بتواند به آسانی خلق راس کوب کند. پس، دستگاه امریمن‌شاه یکسره به کارشکنجه و نا بودی افسران افتاد و پدید آمد گام‌های نظامی، یا تا آنگاه برام‌شیا نه روزی شاخون‌خور، احکام اعدام‌های دسته‌جمعی افسران قهرمان توده‌ای را صادر کردند.

در تابستان سال ۱۳۳۳، مجلس می‌چندم، که در شرایط اختناق کامل، از منشی دست‌چین شدگان دربار و پلیس تشکیل شده بود، در کار تصویب لایحه واگذاری مجدد منابع نفت ایران به امریالیست‌ها بود. با اینکه احتمال نمی‌رفت در آن شرایط دوران مجلس، کسی جرئت مخالفت با این لایحه را بخورد بدهد، امریالیست‌ها و شاه تصمیم گرفتند که از مجلسیان و مردم زجر چشم بگیرند و خونریزی‌های وحشیانه را و قیام اجرای مقاصد خود قرار دهند. برای اجرای این جنایت، نخستین گروه افسران توده‌ای، با اتفاق یک‌فیر نظامی، که افسران درخانه او جلسات خود را تشکیل می‌دادند، سرگام ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ به جوخه اعدام سپرده شدند.

فریادهایی که توفان شد  
هم از آن لحظه که افسران را از سلول‌های تاریک، در آن سحرگاه شوم، بیرون آوردند، تا تشریفات تیرباران را انجام دهند، فریاد آن دل‌دوران توفان شد.

سوهنگ سیامک، آن سرباز نامدار راه‌آزادی، در لحظه‌های قبل از اعدام، به دژخیمان خود گفت: «اگر بهشتی در دنیا وجود داشته باشد، راه همان است که ما می‌خواستیم طی کنیم.»

آورد نام‌های بخاوندانش نوشت: «سربلند باشید که در راه آرمان و عقیده‌ام که اصلاح کشور و سعادت مردم ایران است، فدا می‌شوم»

سرگرد دیگر، ستوان افراخته، به همسرش چنین نوشت: «همای من، بعد از مرگ من نباید اشک بریزی... بدانکه بیگناه کشته می‌شوم و تنها گناه من این است که وطنم را دیوانه‌وار دوست دارم.»

عزیز خلق ایران، سرهنگ عزیزی نمینی هنگامی که به جوخه اعدام بسته میشد، چشم دوخته در چشم دژخیمان، سرود حزب خود را می‌خواند، تا به آنها بفهماند که با همه مخافت ظاهری چقدر پست و حقیرند.

صدای مرتضی کیوان، سرود شد و در زندان‌های شاه‌خائن به مبارزان راه آزادی ایران تیروداد.

در دورتج تازه چند روزی پیش نیست  
واژدار خلق اگر باشی همیشه زنده‌ای  
طنین فریاد سرهنگ مبشری، یعنی از تاریخ قهرمانی خلق ماست. «من جز سعادت و خوشبختی ملت عزیز ایران هیچ سودا و آرزویی در سر نداشتم و در این راه کشته می‌شوم، این مرگ، مرگ شرافتمندانه است.»

وسروان مدنی، خطاب به همسر و چهار کودک خود، در لحظات آخر حیات شرافتمندانه خودش چنین نوشت:  
«مایل دارم بچه‌های عزیزم پس از اینکه بزرگ شدند، بدانند پدرشان شرافتمند بود و شرافتمندانه از دنیا رفت. مردی وطن پرست بود و هیچ بطن خود شیانت نکرد.»

سرگرد وزیریان، چشم در چشم دژخیمان دوخت و خروشید،  
«چشم‌ان مرا ببندید! می‌خواهم در دم مرگ لوزش دستهای دشمن را ببینم.»

روزنامه‌های گوسپندی، این خروش و حماسه‌ها، ایس‌س‌س‌س‌س‌س را که ایمان بی‌زلزل به راه توده‌ها، به راه حزب توده ایران، در آنها موج میزد، جسته و گریخته چاپ کردند. اما همان کلمات نارسا، که تنها جرقه‌ای از آتش‌فشان چسارت‌وایمان افسران توده‌ای بود، توفان شد و در جهان انتشار یافت. مردم دلاورما، از لابلای همان اخبار قصایی شده، سیمای تابناک قهرمانان خویش را باز شناختند.

دشمن از احساس دلاوران هم می‌ترسید!

سحرگاه روز هشتم آبان ۱۳۳۳، دومین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران، رفقا، سرگرد پهنیا، سروان شهبانی، سروان کلایی، سروان کلهری، سرگرد محبی و سروان مهدیان به جوخه اعدام بسته شدند.

دشمن که از انتشار صدای این دلاوران برخوردار می‌گردد، هیچ خبر نگاری را به مراسم اعدام نداد. تنها دژخیمان، بانگ توفانی آنها را شنیدند که سرود حزب خویش را می‌خواندند و به راه خلق می‌رفتند.

دل‌ها از گم‌گشته خون‌فشان  
خیزید از جای ستمکشان  
باید اکنون در نبرد ما  
دشمن گردد محو و بی‌نشان

روز جمعه، ۲۷ مهرماه  
ساعت ۳ بعد از ظهر  
در زمین چمن‌دانگناه  
صنعتی  
پیمان خود را  
برای ادامه  
راه افسران  
شهید  
توده‌ای  
تجدید کنیم!

اعلام جرم  
علیه قاتلان  
افسران  
شهید  
توده‌ای

یک ربع قرن از شهادت  
۲۷ افسر سازمان نظامی  
حزب توده ایران می‌گذرد.  
۲۵ سال پیش، پیدادگاه  
نظامی شاه مخلوع، رفقای  
مادرا بخاطر مبارزه با ساط  
منفور سلطنت و تلاش در راه  
آزادی مردم ایران از یوغ  
استبداد و امریالیسم به  
اعدام محکوم کردند و حکم  
در باره آنها اجرا شد.

اکنون که ساط خونین  
سلطنت دردم پیچیده شده و  
دادگاه‌های انقلاب اسلامی،  
دژخیمان شاه را بی‌جائزات  
میرسانند، ما خواهان  
دستگیری و مجازات عادلانه  
اعدام رفقای شهید خود  
هستیم.

بر اساس اطلاعاتی که  
تاکنون بدست آمده،  
سرهنگ مرتضی، شهید  
آزموه، سرهنگ الهیاری،  
سرهنگ آذریسی، سرهنگ  
دوم‌فوری، سروان جناب  
بهنون رئیس دادگاه،  
داستان و دادیار، رفقای  
مادرا به اعدام محکوم  
کرده‌اند. اسامی جنایتکاران  
دیگر را هم می‌توان و باید  
از پرونده‌های دادسرای ارتش  
بدست آورد.

حزب توده ایران با  
طرح اعلام جرم علیه این  
جانان، انزق‌امات قضایی،  
داسرای انقلاب، داستان  
کل انقلاب و حاکم شرع  
تهران می‌خواهد که با  
بازخوانی پرونده رفقای  
شهید ما و بدست آوردن  
مشخصات کامل افرادی که  
رفقای ما را دستگیر و شکنجه  
کرده و به اعدام محکوم  
نموده‌اند، دژخیمان شاه  
مخلوع را پیدادگاه انقلاب  
بخوانند و آنها را بی‌جائزات  
برسانند.





سروان شوریانی  
نظام‌الدین مدنی



سروان شوریانی  
معمدلی و اماد قاضی



سرگرد حقوق‌دان  
هوشنگ وزیریان



سرگرد  
محمد رضا بهینا



سروان  
مصطفی بیانی



سروان  
مفصور کلپوری



سروان  
حسین کلایی

### دکتر سیامک، برادر رفیق شهید توده‌ای سرهنگ سیامک

# شهادت و نام سیامک، به ما افتخار و شرف افتداد

## امروز در هر خانواده‌ای چند سیامک، یادآور خاطره سیامک شهید هستند

سیامک دروداد گاه گفت: من هر روز صبح گزارش کاراداره سررشته‌داری را به یک مامور ریگانه می‌دادم. اما برخلاف تصور شما این مامور روسی نبود، او یک مستشار و جاسوس آمریکایی بود.

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد شهادت افسران توده‌ای، مردم تصمیم گرفتند باستان آنها مصاحبه کند و بدینوسیله اطلاعاتی، پیش از آنچه که تاکنون درباره آنها انتشار یافته، بدست آورد و از این راه به شناساندن بیشتر سیمای تابناک این شهدای شهروان راه استقلال و آزادی ایران، این مبارزان دلیر راه حزب طبقه کارگر ایران، بیخلف ما کمک کند.

متأسفانه مردم فرصت و امکان نیافت که این مصاحبه را با همه بستگان این شهیدان توده‌ای انجام دهند. ولی مردم امیدوار است که بتوانند در فرصتهای آینده، از راه گفتگو با بستگان شهیدان توده‌ای، این وظیفه را به انجام رسانند.

در بیست و پنجمین سالگرد شهادت افسران سازمان نظامی حزب توده ایران، گفتگویی داریم با دکتر ذبیح‌الله سیامک، برادر سرهنگ عزت‌الله سیامک، افسر دلیری که ظنین سرودش در میدان اعدام، هنوز در گوش زمان پیچیده است. مردی که مرگ را به مسخره گرفت و چلادان شاه را در دادگاه فرمایشی خودشان محاکمه و محکوم کرد.

دکتر سیامک، مردی که برادری چون سرهنگ سیامک، را در راه خلق از دست داده است، در برابر ما آدم نشسته است. از میخوام هم برادر پدر و برادر خانواده خود با ما صحبت کند. او شمرده و آرام حرفهای خود را آغاز میکند.

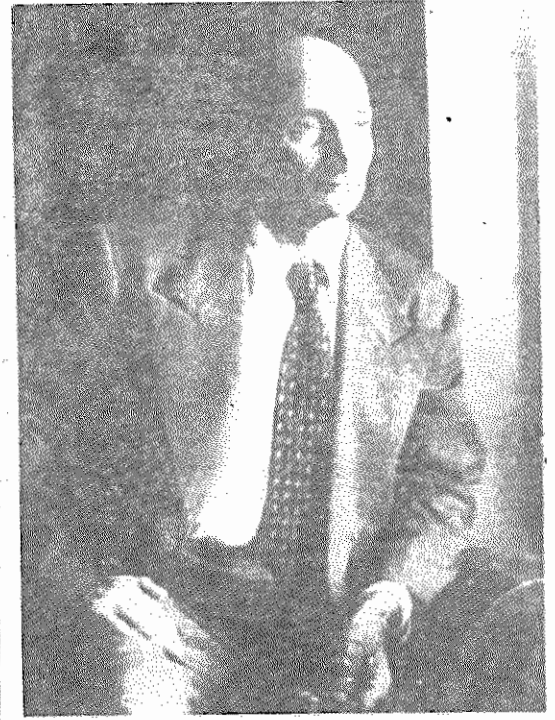


رفیق سیامک در دیدارگاه نظامی، رژیم را به محاکمه کشید

مرد سوعظن واقع شده بود. سیامک پس از اینکه از قزوین به تهران آمد، با برادرش امهندس فضل‌اله زیلا، عبدالصمد کامبخش، حیدر شفق (برادر دکتر رضا زاده شفق) و با گروه دیگری از روشنفکران، که بعدها با گروه معروف به ۵۳ فرد متگیر شدند، دوست بود و رابطه داشت. پس از دستگیری گروه اوانی، سیامک به علت آشنائی و رابطه با این گروه مورد سوءظن واقع شد و مدتی تحت نظر بود، ولی چون او همیشه اصول پنجاه تگری را رعایت میکرد، نتوانستند از او مدرکی بدست آورند و او توانست به فعالیت خود ادامه دهد.

آخرین مأموریتها و چگونگی دستگیری او را بیاد دارید؟ آخرین مأموریت او در مرداد ماه ۱۳۳۳، در بندر عباس بود. او به مأموریت رفت، اما چند روزی پس از بازگشت او، مصافف بود با کشف سازمان نظامی حزب توده ایران.

روزی که میخواستند او را دستگیر کنند، افسری که گویا سرهنگ هیشوری بوده، برای دیدن او به خانه آمد. به او گفت: سیامک به اداره رفته است. گفت: چرا رفته؟ فرار نموده یا آماده پروردن وضع خوب نیست. گفت: او میدانست، اما اهمیت نداد و رفت. اما چند ساعت بعد، گروهی از افسران و سربازان با او به خانه ما رفتند. در خانه ما، سیامک اطاق کوچکی داشت، که کتابخانه و تخت خواب در آن جا میکرد. همه اتاق را زیر و رو کردند، اما چیزی نیافتند. با هجوم مأموران، ما آنها را تاراجی میکردیم. سیامک گفت: فعلاً آسوده باشید. تازه اول تاراجی است. سیامک چه ازادانه‌ها، به زندان می‌رفت؛ آیا فکر میکنید هدف خاصی از این استخدام داشت؟



سیامک گفت: آدم وقتی قهر است بمیرد، چرا خوب و باشکوه نمیرد؟

اعدام را یک روز به تأخیر انداختند و در روزهای بعد با اجازه ملاقات دادند. ملاقات اولین و آخرین ما با سیامک در زندان، در واقع ملاقات خانواده هست محکومین با اعدام بود.

آخرین دیدار با سیامک همه افسران محکوم به اعدام، با خانواده‌هایشان ملاقات داشتند. ما هم یکی از آنها بودیم. خانواده‌ها، با وجودیکه به اعدام عزیزانشان مطمئن بودند، کوشش میکردند به طاعتی قبل از اعدام نوشته مشخص است. وقتی ساعت ملاقات تمام شد، مأموران، خانواده‌ها را از افسران جدا کردند. در حالی که همه از هم جدا میشدیم، سیامک، در نقطه بلندتری ایستاد، دستش را بلند کرد و با صدای بلند و محکم گفت: «ما رقیبیم، شما زنده باشید و خوب زندگی کنید».

امروز که ۲۵ سال از شهادت سیامک گذشته است، شما چه احساسی نسبت به او دارید؟ ما اینک شما عضو حزب توده ایران نبودید و برادران را در این راه از دست داده‌اید، آیا به وجودش افتخار میکنید و یا دوست داشتید زنده و در کنارشان باشید؟

وجود سیامک، نام سیامک، مرگ سیامک و یاد سیامک است که زندگی ما را شکل داده. اگر او یک افسر هادی بود، شاید تا حالا زنده نبود «ما هم او را فراموش میکردیم. ولی او با یکبار و تلاش و جان بازی در راه مردم، به زندگی جاودانه رسید. امروز شما در هر خانه و خانواده بزرگ یا کوچک نام سیامک بر میخورید. قبل از شهادت سیامک، مردم اینهمه نام سیامک را بروی فرزندان خود نمیگذاشتند. مسلم است که ما به وجود و نام سیامک در خانواده خود افتخار میکنیم.

۲۵ سال بعد از شهادت سیامک، هنوز صبح و شام، صدای گامهای آرام او را، که در اتاق کوچکی راه می‌رود، می‌شنویم. او نموده است. (از سخنان برادر سرهنگ سیامک) بقیه در صفحه ۶







### برادر رفیق سیامک گفت:

بقیه از صفحه ۱

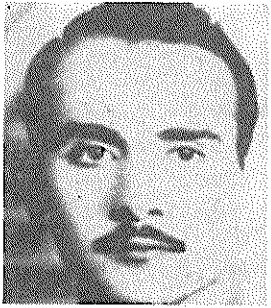
- آیا از دادگاه و مدافعاتش چیزی میدانید و میدانید کسه چه کسانی او را محاکمه کرده‌اند؟

- نه. همانطور که قبلا گفتم، فقط روز قبل از اعدام، به ما اجازه ملاقات دادند. حتی به وکیل تسخیری او هم اجازه دفاع ندادند. فقط این را میدانیم که رئیس دادگاه تجدیدنظر او سر لشکر مزین بود، که پس از صدور رای اعدام برای سیامک، مزد خیانت خود را از شاه گرفت و بعنوان نماینده مخصوص شاه در گرگان و گنبدوشت منصوب شد و تا قبل از انقلاب هم در این پست باقی بود و به مکیدن خون کشاورزان اشتغال داشت. انصاف افراد دادگاه اطلاعی نداشتند تنها نکته‌ای که از دادگاه و مدافعات او به بیرون درز کرد، طرح مسئله جاسوسی بود. داستان با او گفته بود تو جاسوس هستی و اخبار و گزارش‌های زاندارم‌های با هم‌موران سیامک های بیگانه میدادی. سیامک گفته بود، «این را شما درست میگویند آقای دادستان، من خیانت‌کارم. من هر روز صبح گزارش کار اداره سررشته‌داری را به یک مامور بیگانه میدادم، بده، درست است اما برخلاف تصور شما این مامور روسی نبود، او یک مستشار و جاسوس آمریکایی بود که من بدستور از بابا شما مجبور بودم هر روز گزارش کارها را با او بدهم.»

- چه وقت از اعدام سیامک اطلاع پیدا کردید و چگونه جسدش را تحویل گرفتید؟

- ساعت ۵ و نیم صبح روز ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳، یکی از افسران ارتش که با من در خدمت سیامک و خانواده ما دوستی داشت، بدانگن کرد که گروه اول افسران امروز صبح اعدام شدند. ما که بخوایم جسد را تحویل بگیریم، خیلی زود خود را به مسگر آباد رسانیدیم. ماصبح زود به مسگر آباد رسیدیم، ولی گروه زیادی سر باز و افسر هم‌چاره اشتغال

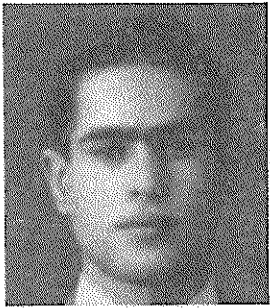
بقیه در صفحه ۷



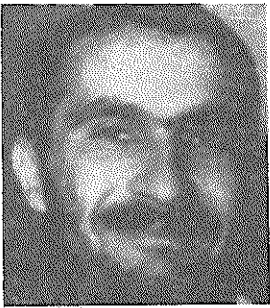
ستوان سوم هوایی اسداله نصیری



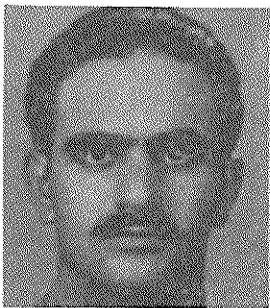
ستوان یکم حسین مرزوان



ستوان یکم منوچهر مختاری



سوران اسمعیل محققزاده



سرگرد ارسطو سروشیان



سرگرد رحیم بهزاد

### خاطره تابناک افسران شهید توده‌ای جاودان باد...

بقیه از صفحه ۴

خبر اعدام رفقای توده‌ای، پس از اجرای حکم، ضمن اعلامیه‌ای از طرف دادستانی ارتش، همراه اسامی آنها و به اتهام «ضدیت با سلطنت مشروطه» انتشار یافت.

دشمن حتی از مرده این قهرمانان شهید بر جان خویش می‌لرزید. فرمانداری نظامی اهر گوه به برگزاری مجلسی ختم و اجتماع برهزار آنان جلوگیری کرد، کینه و حشیا نه چستگاه حاکم در مورد این شهیدان آتقدردید بود که تا مدت‌ها اجازه نمیداد سنک قبری، با ذکر مشخصات آنها بر گورشان نصب شود.

اگر ای مردک نامرد به شلاق سکوت کینه دشمن تسکین ناپذیر بود. ۹ روز بعد، در سمرگاه هفتم آبان ۱۳۳۳، ۵ افسر توده‌ای دیگر به جوخه اعدام سپرده شدند.

سرهنگ ۲ امیر افشاریکشلو، سرهنگ محمدجلالی، سرهنگ ۲ کاظم جمشیدی، ستوان محمد باقر واله و سرگرد جعفر وکیلی. نیز بایمان بی‌پایان و با فریاد زنده باد ایران!

- زنده باد حزب توده ایران!

به حماسه‌ها پیوستند.

سرگرد وکیلی در آخرین شب‌های حیاتش شعر معروف به «اگر ای مردک نامرد به شلاق سکوت» را بر دیوار سلول خود نوشت. وقتی به این مبارز تسلیم نشدنی اطلاع دادند که به اعدام محکوم شده ولی می‌تواند از شاه تقاضای «بخش» کند، با غرور و سربلندی جواب داد:

«من جانم را در راه میهن خودم فدا میکنم. چطور ممکن است از شاه، که او را خائن به میهن گرامیم میدانم، تقاضای عفو کنم؟»

وکیلی، یک روز قبل از اعدام، از جانب همه افسران که به انتظار شهادت بودند، به حزب خود نوشت: «این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت در واپسین روز زندگی خودمان است، نخست درود آتشین ما را بپذیرید، دیگر آنکه بدانید تا آخرین دم بخلق و فادان ماندیم.»

رفیق شهید جمشیدی به خانواده خود گفت:

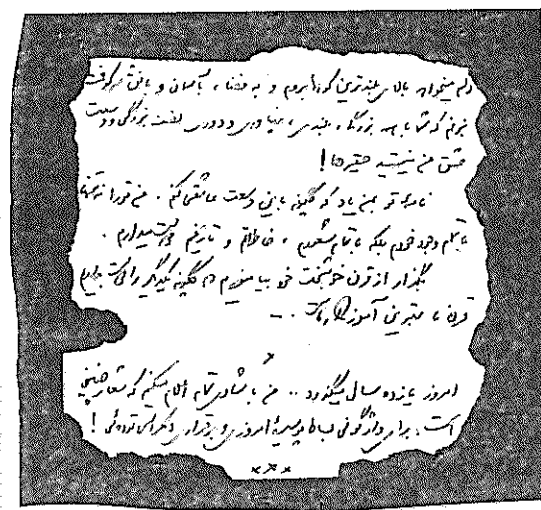
«عصه نخورید، من برای زندگی مردم می‌میرم»

شاه خون می طلبید

رژیم خونخوار شاه همچنان خون می‌ریخت. سال‌های حبس، شکنجه و اعدام تازه آغاز شده بود. شاه خون می‌طلبید. امریالیسم می‌خواست بر دیربای خون زرمندگان راه آزادی «جزیره نبات» به

بقیه در صفحه ۷

### نامه منتشر نشده‌ای از رفیق مر ترضی کیوان



نمونه خط نامه رفیق شهید مر ترضی کیوان

آن شامه را برایت فرستادم (عنوان شعر چنین است، من به این مشت پر از خاکستر هنرم جدا از پیش نمیتواند وجود یابد... مگر زیبایی گلبرگها و گل سنگهای طبیعت و کوهسارها هر جا که انسان، معرفت و ذوق خود را در همان عشقش - بهره‌ هست- جا داد، هنر بوجود می‌آید و این اثر یکطرفی مسلماً با تاسان راه دارد، آنجا که شاعر شروع میشود. و همین کیفیت، زیرا شاعر چگونه میتواند جدا از مردمش و بیرون از تاثیر مردم، یک هنرمند باشد؛ جز این، هر چه باشد، آسمان بی‌ستاره است، کورد است. تاریک است. گرفته است. حقیر است...

آخرش راضی نیست. اینست که تصمیم گرفته مدتی شعر نگوید. آخرین شعرش که چاپ شد (در سیو) راجع به رفیق خانه صلح بود که دشمنان، عامل آن بودند. (بنظر م)

آنچه در زیر میخوانید قسمتی از نامه رفیق شهید مورتضی کیوان است که در هفتم مهرماه ۱۳۳۹ به یکسی از دوستانش نوشته است و برای نخستین بار منتشر میشود.

تهران  
دوم مهرماه ۱۳۳۹ - ۲ اکتبر ۱۹۵۲

دلم میخواهد بالای بلندترین کوهها بروم و بقیان، آسمان و باقی سر کوفت بزنم که شما با همه بزرگی، بلندی، پهنای و دوری، نصف بزرگی و وسعت عشق من نیستید، حقیرها!

نامه تو بمن یاد داد که چگونه باین وسعت عاشقی کنم. من تورا نه تنها با تمام وجود خودم، بلکه با تمام شعور، خاطراتم و تاریخم دوست میدارم.

بگذار از قرن خوشبخت خود بیاموزیم که چگونه یکدیگر را دوست بداریم. قرن ما بهترین آموزگار ماست.

امروز یازده سال میگذرد... من باشادی تمام اعلام میکنم که

شمار چنین است، برای واژگونی بساط پوسیده امروزی و برقراری دمکراسی توده‌ای!

شعر یاس و یاسمن آراگون را برادر شما... شبی در سینه کلوب خواند. بعضی قسمتهای آن نیز گویا در مجله ستاره صبح یا یک صبح منتشر شده است. نکته خیلی خوب و دقیقی را متذکر شده بودی که در این روزگار جبهه واحد، توجه باین شعر، آموزنده است. اولین دفعه که هیئت تحریریه مجله تشکیل شود، مطرح خواهد کرد که از آن استفاده کنیم.

شعر آکساندر پتوفسکی یک جرقه است، میوزاند و زود تمام میشود. همه وقت انسان حرف دلش را بی‌محابا بزند. چه خوشبختی توانایی!

نیما از سفر مازندران باز گشته. قطعه نامه جبهه واحد را امضا کرده است. چندتا شعر تازه ساخته، که گویا در یکی از آنها بنام ناظم حکمت هم اشاره‌ای کرده. من هنوز ایشان را ندیده‌ام. این حرفها را از صبح و کولی شنیده‌ام. برادر کولی میگفت که کولی از شعرهای

### مرک خدایان پیکار

غریو غرش رگبار یا فریاد عسایانها هم پیچید و پیدا شد زوج خشم طوفانها فضا پرود شد، گلرنگ شد صدبار دمانها چو فواره جهان شد خون، بدامانها زشریانها بمیدان ابر خون بارید، جان دادند انسانها ولی فریادشان پیچید در اعماق وجدانها پوری سینهها افتاد سرهایی که تابودند بغیر از راه عسایان و حقیقت ره نیمودند

سکوت مرک حاکم شد بمیدان جنایتبار جسدما بود خون آلوده افتاده بپای دار زلوفان ستم بشکست شاخه پیکار توگفتی نوبهار زندگانی شد خزان پیکار لب خشک زمین ترشد، زخون احمر اجرار تنش از لخته خونها لاله گون شد چون دل گلزار در آن صبحی که آفاق زلفی، چون لاله بد گلگون که بودند آن دلیرانی که جان دادند اندر خون؟

همه همسنگی و هم عهد و هم پیمان ما بودند سر ایا شله‌های آتش عسایان ما بودند همه سردار و پرچمدار با ایمان ما بودند چرا نام سیامک میزند آتش به پنیانم؟ ز نام او چه میخوایم؟ چه میجوییم؟ نمیدانم.

غریو آخرین فریاد محکومین نام‌آور بلی هستند آنهایی که بعد از ما درین کشور نداریم احتیاجی بر شما دزدان غارتگر رهش این بود و ما با پای سراسر این راه میرفتیم پس از ما میروند این راه که میرفتیم و میگفتیم؟

سختها در دهان ناگفته ماند اغزش رگبار عسین شکار مرگ‌زندی، بر جوبه‌های دار چو شد پاشیده ازم، مغز فرزندان رنج و کار فقط تک تیرها کردند ختم صحنه را اعلام که شد سیراب از خون دلیران شاه خون آشام

چو «پیروزی» مسجل گشت جلاخان بیدل را شراب ارفوانی رنگ بر میشد پاشرها در آغوش پیریویان نشان شد مسکن و ماوا گمان کردند جلاخان، جنتا یست سی کفر گمان کردند خالی ماند دیگر صحنه وستگر

نمیدانند از تو خلق ما پیکار خواهد کرد زخون خصم خاک تیره را گلزار خواهد کرد وطن را پاک از لوٹ جنایتکار خواهد کرد نه هرگز ملت ایران نمیمیرد نمیمیرد ز شاه و چکه پو شان انتقامی سخت میگیرد

ن = اسپند ۱۲۱۲ و ۱۳۳۳ زندان قمر



همسر رفیق شهید سرهنگ دوم کاظم جمشیدی:

### جمشیدی تالحنظه آخر از حزبش دفاع کرد

خانم قمر جمشیدی، همسر رفیق شهید سرهنگ دوم کاظم جمشیدی، که روز هفدهم آبان ماه ۱۳۳۳ بدست دژخیمان شاه اعدام شد، در گفت‌وگوی کوتاهی با خبرنگار «مردم»، خاطراتی را از دستگیری، شکنجه و اعدام رفیق شهید بازگفت:

- از فعالیت‌های رفیق شهید چه خاطره‌ای دارید؟

- آنچور که یاد می‌آید، او در سال ۱۳۲۲، توسط رفیق شهید خسرو روزبه، به عضویت سازمان نظامی حزب توده ایران درآمد. از این سال، تا روزی که دستگیر شد، دقیقه‌ای آرام و قسار نداشت. تا از راه می‌رسید، لقمه‌ای غذا می‌خورد و بیرون می‌رفت. مدتی بعد رفقایش را بخانه می‌آورد و در آنجا با هم جلسه تشکیل می‌دادند. بعد از اجرای انقلاب خلق آذربایجان، مارا به اردبیل فرستادند. درسه ساله که آنجا بودیم، فعالیت سیاسی هم‌سرم با شدت ادامه داشت. البته من از فعالیت‌های اطلاعاتی نداشتم، چون کمترین حرفی نمی‌زد. این وضع ادامه داشت تا کودتای ۲۸ مرداد. بعد از کودتا، جمشیدی مدام به رادیو گوش میکرد و خیلی ناراحت بود.

یک روز صبح زود در زندان رفیق در را باز کردم، دیدم کوچه پر از سرباز است. چند کامیون سرکوبه ایستاده بود. سربازها با سرهنکی که همراه آنها بود، ریختند توی خانه و هم‌جا را زیر و رو کردند. تا شب آنجا ماندند و بعدم جمشیدی را با خودشان بردند. بعداً شنیدیم که جمشیدی را مستقیماً برده‌اند پیش بختیار آنجا بختیار با سبلی زده توی گوش جمشیدی. جمشیدی هم جوابش را داده و دوسبلی مسکمی به او زده‌است. بختیارم بلافاصله دستور داد جمشیدی را بردند توی چمن و بسا سم خادار او را ساعت‌ها زدند.

قبل از اعدام چند بار او را دیدم. دومین باری که به ملاقاتش رفتم، بشدت ضعیف شده بود. به من گفت: «بیا بپلوی من بشین». وقتی نشستیم، گفت:

«پیام مرا به رفقا بده. من را خیلی شکنجه داده‌اند. من را با شلاق زده‌اند. با اتوم زنده‌اند. زیر آب سرد برده‌اند، با سیم خاردار مرز زده‌اند، به ناخن‌هایم سوزن زده‌اند، با موی اسب به بیضه‌هایم زده‌اند، ولی من هیچ چیز نگفتم. من از این چیزها نمی‌ترسم، چون ماقبول کرده‌ام تمام این چیزها را و به راه خودمان ادامه میدهم.»

همسر رفیق شهید لحظه‌ای سکوت نمی‌کند. غبار اشک چمتاش را می‌پوشاند و سپس ادامه میدهد: جمشیدی به من گفت، فقط کاری بکنید و کیلی هم قبرش پهلوی قبر من باشد.»

- میدانید مسئولیت رفیق جمشیدی در حزب چه بود؟

- بله. بعدها معلوم شد که مسئول آزمایش اعضای جدید سازمان بوده است. او جزو رهیت دبیران نبود، اما عضو ثابت سازمان افسران بود و کارهای تعلیماتی و ایدئولوژیکی را به عهده داشت.

- از دادگاه او چه می‌دانید؟

- متأسفانه هیچکدام از مدافعات افسران سازمان نظامی هنوز منتشر نشده است. اگر ساواک پرونده افسران را نابود نکرده باشد، میشود آنها را بدست آورد. اما من شنیدم که جمشیدی در دادگاه از حزب و سازمانش دفاع کرد.

- آخرین ملاقات خود را با رفیق جمشیدی به یاد دارید؟

- بله. روحیه او خیلی خوب بود. حکم اعدام ما صادر شده. از امروز اخبار رادیو را گوش کنید، اگر شنیدید مرا اعدام کرده‌اند، جنازه‌ام را از آنها بگیرید. یادتان باشد. سعی کنید گور من کنار وکیلی باشد.»

از آن شب، ما نیمه شب، هر شب می‌رفتم توی خیابان میشستم. ۱۷ آبان تا صبح نشستیم. اما خبری نشد. همیشه بلند شدیم برویم، دیدیم که امبولانس از طرفت فوریه آمد. فهمیدیم کار تمام شده. چند نظامی جنازه را آوردند. می‌خواستند از ما درازای تحویل جنازه بول بگیرند. ما ندانیم. با اتوموبیلی پشت آمبولانس حرکت کردیم و به مسگر آباد رفیق. آنجا دوتا آمریکایی آمدند و جنازه افسران تیر باران شده را با عکس‌هایی که در دست داشتند، مقایسه کردند و بعد رفتند. یک کامیون سرباز آنجا بود و تا آخرین لحظه مراقب دفن اجساد بودند.

وقتی برگشتم خانه، سربازها به بخانه ریختند و گفتند حق برگزاری ختم را ندارید. این کار شجفت و شبجهل هم تکرار شد.

# مجلس خبرگان و مسئله شورای نگهبان

در دنائت بررسی مواد قانون اساسی، بشرطی که در مجلس خبرگان انجام میشود، پس از مسئله شوراها و در رابطه با آن مسئله شورای نگهبان مطرح شد. این مسئله، مانند مسئله رهبری و ولایت فقیه و اختیارات آنها، در پیوند عمیقاً اندیشه‌آنها این مسئله اساسی مطرح و یکونهای حل میشود. قدرت از آن کیست؟ آیا همه‌توا از مردم ناشی میشود و متعلق با نهاست و آراء آنها تعیین کننده سرنوشت آینده است؟

بدون تردید هر گاه روشی برای نادیده گرفتن یا کم‌بها دادن به حاکمیت مردم، در نهایت امر موقتاً آمیز نخواهد بود، یعنی مسئله اساسی قدرت و حاکمیت را حل نخواهد کرد. ولی آشکار است که در مجلس خبرگان چنین روشی انجام میشود تا مقولات دیگری هموزن با هم مطرح یا حاکمیت مردم (و مسئله اجرا و اعمال آن یعنی نظام شورایی) تدوین شود، تا اصل اساسی حاکمیت مردم را تعدیل کند، محدود کند و در نتیجه منخوش و بی‌اثر سازد. این روش باعث نگرانی، شکایت و اعتراض شده است.

نحوه تدوین مواد و چگونگی بحث بر سر فصل شورای نگهبان که مضمون اصول ۱۳۷ تا ۱۴۷ را در متن جدید تشکیل میدهد، یکی از موارد مهمی است که این روش را متجلی ساخت. از آنجا که مردم بررسی کارهای مجلس خبرگان را ضمناً در مقایسه بین متن پیش نویس عرضه شده بمرور در خردادماه و متن مصوبه مجلس خبرگان انجام میدهد، بجا و بسیار پرمعناست که پیش از تدوین پیش نویس قانون اساسی در این مورد چگونگی بحث و در آنجا چه از آن برداشته است.

بمنظور رعایت جنبه‌های اسلامی قانون اساسی و نظارت‌تتها بر تطابق مصوبات مجلس با موازین شرعی، فسخی بنام شورای نگهبان در پیش نویس شامل اصول ۱۳۷ تا ۱۴۷ تدوین شده بود که بنا به نظری که در آن زمان بیان شد و تا تأیید نام کمیته (یگانه مراجع مشورتی نزدیک به مقام رهبری) اصول عمده و ولایت فقیه را نیز در بر میگرفت. در آن پیش نویس، شورای نگهبان مرکب از نوزده نفر بوده یعنی نفر مجتهد، به انتخاب مجلس شورا، از میان اسامی پیشنهادی مراجع تقلید و شش نفر حقوقدان، باز با انتخاب مجلس شورا (اصل ۱۳۷ پیشنهادی)

بموجب اصل ۱۳۷، این شورای نگهبان همه وقت کار نمیکرد و تمام قوانین را از تأیید نمیگذرانده بلکه تنها بپدر خواست یکی از مراجع تقلید یا رئیس جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور ... صلاحیت رسیدگی به قوانین را پیدا میکرد. آنچه تنها در فاصله یکماه پس از نوشیح قانون، و گرنه قانون مصوبه مجلس، خود بخود تأیید شده و مسجل میگشت. حدود اختیار آن شورای نگهبان عبارت بود از تمییز مخالفت صریح قانون مصوبه با اصول مسلم شرعی و بازگرداندن قانون بمجلس برای تجدید نظر.

حالا این فصل پیش نویس قانون اساسی را، که توسط اسلام شناسان و حقوقدانان تهیه شده و دوبار منتشر گردیده و به تأیید امام نیز در دیاربررسی رسانیده شده و در خرداد ماه به مردم ایران معرفی شده و برای بررسی آن رای گیری و انتخابات بعمل آمده است، با متنی که مجلس خبرگان تهیه کرده است، مقایسه کنیم. این مقایسه نشان میدهد که حتی در این زمینه هم مجلس خبرگان تاجه حد از متن پیش نویس دوری جست، و در واقع متن جدیدی را جایگزین پیش نویس ساخته است.

بنابر این متن جدید (اصل ۷۷) شورای نگهبان مرکب از ۱۲ نفر است، شش نفر فقیه عادل با انتخاب رهبر یا شورای رهبری و شش نفر حقوقدان مسلمان بمرقی شورای قضائی (خود این شورا مرکب است از سه نماینده شورای اسلامی و مرجعیت سه نفر از مجتهدین، چهار نفر از قضات آگاه بسائل اسلامی) از جانب دیگر، کار شورای نگهبان حالا دیگر همیشگی است، یعنی بیک نهاد تبدیل دائمی شده و کلیه مصوبات مهم شورا باید به شورای نگهبان برود و تا نظر شورای نگهبان تأمین نشود، قابل اجرا نیست (اصل ۷۸) (اصل ۸۰)، بین دو گروه شش نفری عضو این شورا که همه آنها سندورس اسلامی هستند، ولی نشانند مستقماً فقیه و از میان روحانیون و نصف دیگر از میان حقوقدانان مسلمان انتخاب میشوند، تفاوت جالب و مهمی میگذارد. از یکسو تشخیص تمارش با منابیرت قوانین مصوبه با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورا (اکثریت از بین ۱۲ نفر) است، ولی از سوی دیگر تشخیص تمارش با احکام اسلام بر عهده اکثریت مجتهدین شورای نگهبان (اکثریت از بین ۶ نفر) است. نتیجه اینکه، یک عده ۳ نفری فقیه، که از جانب شورای رهبری انتصاب شده‌اند، میتوانند بر مصوبات مجلس شورای ملی ایران که برگزیده تمام ایرانیان است و در یک سیستم شورائی، حلقه مهمی از نظام حاکمیت خلق در سطح تمام کشوری است، خط بطلان بکشند.

## خاطر هتابناک افسران شهید توده‌ای جاودان باد!

بقیه از صفحه ۶ وجود بیماورد، تا با آرامش خیال به قارت ادامه دهسد. از اینرو، گروه چهار افسران مشو حزب توده ایران را روز بیست و ششم مرداد سال ۱۳۳۴ به جوخه اعدام سپرد. در آن سحرگاه،

- رقتا،
- سرگرد رحیم ییزاد
- سرگرد ارستو سروشیان
- سروان اسماعیل محققزاده
- سرتوان یکم منوچهر مختاری
- سرتوان یکم حسین یروزان
- سرتوان سوم اسدالله نصیری

سرودخوانان، سینه‌هایشان را که از آرزوی زندگی نوین برای زحمتکشان و آزادی و استقلال ایران سرشار بود، در برابر گلوله درگمگان سهر کردند.

صدای این رفیقان شهید هم، به باسکه خشمگین رقتای دیگر پیوست و شطی از خون ساخت که تا سقوط رژیم تنگین شاهنشاهی از خروش باز نایستاد.

سرگرد ییزاد در آستانه مرگش روی یک برگ کاغذ سیکار نوشت، یک ساعت دیگر من، مختاری، نصیری، سرزوان، محققزاده و سروشیان تیرباران خواهیم شد. پیروز باد ملت. در این لحظات آخر قبل از اعدام به ملت ایران، به حزب محبوبم، به زن عزیز و کلاه نازنینم می‌الدیشم. افتخار دارم که به خاطر ملت ایران و در راه پرافتخار حزب توده ایران

## اصل ۸۱ حضور اعضای شورای نگهبان را در مجلس مجاز و در صورت فوری بودن مسئله، اجباری میکند.

اصل ۸۲ مدت عمل اعضاء را تعیین میکند و اصل ۸۳ بنا بر این روشن است که شورای نگهبان از صورت یک نهاد انتخابی شوروی و نظریه و جلوه‌گیری از برخی تفکرات احتمالی در موارد ویژه مورد درخواست و تابع اصل حاکمیت مردم و مجلس شورای ملی خارج شده است و بیک نهاد انتصابی، نه تنها موازی با مجلس شورا، بلکه یوگر از آن و بسا قدرت و توی کلیه مصوبات آن، در عهده موادی که خود بخواید، آنها بانظری برنده وقایع بدل شده است.

پهوهه نیست که مسئله شورای نگهبان در کنار مسائل دیگر پیوسته بان، اینهمه بحث انگیز شده است. در خارج از مجلس، نظرها به نقش واقعی آن و بطور کلی برداشت تدوین کنندگان متن جدید قانون اساسی از حاکمیت مردم و جای نقش مردم در جمهوری اسلامی و بلوغ و آگاهی مردم و نتایج انقلاب آنها، که باید در قانون اساسی تجمل و تسریع شود، جلب گردید. حتی در داخل مجلس، بسا وجود تلاش‌های بسیاری که برای توافقی قبلی بانجام رسید، گاه گاه که به تشنج کشید، از فشاری اعمال میشود که حرفی گفته نشود (رشدیادان) صحبت شد و در جلسه‌ای که ۶۳ نفر در آن حضور داشتند، ۶۴ رای از گزندان بیرون آمد (در مورد اصل ۸۳)

در همین جلسات بود که نماینده‌ای گفت: «این ۱۲ نفر اعضای شورای نگهبان) نقش مؤثری در تصویب قوانین بعهده دارند. حالا چرا این ۱۲ نفر ملت انتخاب کنند یا نمایندگان ملت که در مجلس شورا حضور دارند؟» که البته نظرش رد شد. هنگام بحث همین اصول بود که معنا و مفهوم وجود ولزوم و حقوقدان، زیر علامت سؤال قرار گرفت و پرسیده شد: «وقتی فقیه مطرح میکنند، دیگر مطرح کردن حقوقدان برای چیست؟» و نفر دیگری گفت: «هغه اسلامی از نظر حقوقی کامل است و لذا انتخاب عده‌ای فخر فقه لزومی ندارد. بمارت دیگر، همان نیمه اول شش نفری پس است، دیگر در سرشش نفر دوم، با همه پیشگوییهای سخت و سختی که برای انصا پشان شده، لازم نیست»

در پیوند با این مطالب و بحثها، معنای سخنان حجت الاسلام حجتی کرمانی، یکی دیگر از خبرگان بهتر معلوم میشود که گفت: «با اینکه هنوز انقلاب ۷-۸ ماه پیشتر نمیکند، و فقیه نسوی خیابان راه میروم، بعضی از جوانها که مارا نگاه میکنند، یک نگاه دیگری دارند، یعنی از چهار پنج مساه پیش نگاههای مردم عوض شده، چرامیخواهیم با هم تمارق کنیم و بگوئیم نه خبر اینطور نیست، چرا چون فقه میدانیم، میخوایم خود را در عرصه حاش حقوقدان بین المللی نیز بدانیم؟»

این سخنان هشدار داری جدی است و با نحوه کار و طرز برخورد مجلس خبرگان، که مردم ایران و جوانان توی خیابانها انتظارات دیگری از نتایج کار آن داشتند، بهیچوجه بی رابطه نیست. این سوالات و بحثها و اظهار نظر نشان اهمیت و عمق مسئله و عواقب و آثار مترتب بر آن است.

در اینجا تنها صحبت بر سر این یا آن ماده و اصل و فصل در قانون اساسی نیست. مسئله بر نتایج انقلاب ما و تحکیم جستاورد - های آن یانی و تضعیف آنهاست. مسئله بر سر شناختن و تسجیل حق مسلم مردم و حاکمیت آنهاست، بر سر اصولی ترین موازین حیات دمکراتیک جامعه و مهم ترین وثیقه تحکیم استقلال و تمامیت ارضی ایران است، که همان اراده و خواست قاطع و حاکمیت مطلق توده مردم ایران باشد.

در پایان این بحث پیرامون مسئله شورای نگهبان و مجلس خبرگان بد نیست یاد آوری کنیم که آقای حجت الاسلام حجتی کرمانی نگرانی قش قابل ملاحظه‌ای از روحانیون را منعکس نموده و گفته است: «طوری شده که مردم فکر میکنند، اینها میخوایند میراث انقلاب را بین خودشان تقسیم کنند و همیشه حاکم باشند. همه اینها، باید هشدار جدی و مفصل حجت الاسلام سید احمد خمینی را، که در جریان چاپ و توسط رادیو پخش شد، اضافه کرد که خود علامت آنست که چنان نحوه برداشت و عملی، توسط گروه‌های مبنی، تا کجا نگرانی می‌فریند، و این کاملاً بدیهی است، زیرا - بازم تکرار میکنم - مسئله سرنوشت یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب، مسئله حاکمیت مردم و قدرت مردم و نقش تعیین کننده اراده و آراء و خواست توده مردم و مشارکت واقعی و سرنوشت ساز خود این مردم در امور کشور مطرح است.

این بحث ادامه دارد و دفاع از حزب محبوبم محکوم و تیرباران شدم، سرگرد سروشیان در پاسخ تهدید آزموده جلال، که گفته بود: «ترا میکنند، گفت: «اشتباه می‌کنید. از هر قطره خون من صد ها سروشیان می‌رویند»

رفیق شهید مختاری، در نامه‌ای که در آخرین لحظات حیات نوشت، از جمله چنین گفته بود: «اکنون که در پای میدان اعدام قرار دارم، تنها و تنها به مردم می‌اندیشم. بادلی شاد و پرامید گلوله را در دل خود جای خواهم داد و تا آخرین لحظه که گلوله‌ها قلبم را خواهد شکافت، افتخار پیوستگیم را به خلق چسون پتک سنگین بر مغز دشمنان می‌گویم. تردید ندارم که خلق قهرمان و در پیشاپیش آن طبقه کارگر ما فاشیسم را زنده بگور خواهد کرد و بر روی لاشه‌ای بنای زندگی شاد و آسوده خود را بر خواهد افراشت. بامرک من، فقط وظایف من است که پایان می‌پذیرد. موفق و پیروز باشید»

اکنون ۲۵ سال بعد از آن سحرگاهان شوم، آن خشم و خروش‌ها، آن توانی که از بانکه افسران شهید توده‌ای و هزاران شهید دیگر برخاست و شطی که از خون آنها جاری شد، رژیم تکتبار شاهنشاهی را به گور تاریخ افکنده است. اما کار هنوز به پایان نرسیده است. حزب توده ایران بسا شه‌ای افسر خود، با دیگر شه‌ای حزب، بسا همه شه‌ای خلق بزرگ ما تجدید پیمان میکنند که تا ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم بمر کردگی امپریالیسم آمریکا، از زمین عزیزمان ایران، تا پیروزی قسلی و نهائی انقلاب بزرگ مردم ما، به یکبار عادلانه خود ادامه دهد.

## برادر رفیق سیاهک گفت:

بقیه از صفحه ۶

کرده بودند و از ورود خانوادها شهدا بمحوله مسگر آباد جلوه‌گیری میکردند. ما با آشنائی که با بعضی از افسران داشتیم، بداخل محوطه راه یافتیم و تقاضا کردیم که جسدها را با ما تحویل بدهند، تا در امامزاده عبدالله شهر ری دفن کنیم. اما آنها از دادن جسدها با خودداری کردند و سرانجام با ما در همان چند دوست و آشنا به ابتکار رضایت دادند، آنها بشرطی که جسدها از داخل شهر بهرری نبریم و چند سرباز هم تا پایان مراسم دفن، ناظر بر جریان باشند باین ترتیب ما تواسیم جسدها را بگوریم و در امامزاده عبدالله دفن کنیم. دو هفته پس از دفن جسدها، سنک قبر را گذاشتیم و روی آن نوشتیم: «شهید راه انسان دوستی، سیاهک».

اماماموران در روز روشن، با کلنگ و تخم‌ق، به گورستان ریختند و سنک قبر را تراشیدند و شکستند. آنها حتی سنگسرتی امامزاده را هم کتک زدند که چرا جمله «شهید راه انسان دوستی» را بر سنک تکر کرده است. آنها از جسدها نام سیاهک هم وحشت داشتند.

سیاهک در چند سالگی اعدام شد و در دستنامه‌اش چه مطالبی نوشت؟ همانطور که قبلاً اشاره کردیم، سیاهک در سال ۱۲۷۵ در تهران بدنا شد و در روز شهادت ۵۸ سال داشت. او از مال دنیا چیزی نداشت. در خانه من، یک اتاق کوچک متعلق به او بود، دوسه وست لباس و یک کتابخانه کوچک، دارائی او را تشکیل میداد. مقداری بدیهی داشت، که در دستنامه خود نوشت تا از فروش اتومبیلش بدیهایش را بپردازد و بقیه را مطابق قانون تقسیم کنیم. یک قطعه زمینی هم داشت که اقساطش عقب افتاده بود، من اقساط عقب افتاده را پرداختم و آنرا به برادر دیگرم محمود و برادرزاده های دیگرم را گذار کردیم.

آری، با اینکه ۲۵ سال از شهادت این انسان دلیر و آگاه می‌گذرد، ماهیچگاه او را فراموش نکرده‌ایم و هنوز، هر صبح و شام، صدای گامهای آرام او را، که در اتاق کوچکش راه میروید، میشنویم و شبح او را نیز، هر صبح و شام، در راهروهای خانه خودمان می‌بینیم. او برای ماهیچشه زنده است، زنده‌ای بی مرگ.

## رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب را صمیمانه به شما و رفقای مبارز شادباش میکنم. حزب توده ایران که مهد پرورش نیروهای مین دوست وطن ما است، در درون خود رزم اوران جاودانی نظرمی‌سازد، روز به روز، حکمت‌چود تهبازی برور آورده است. حزب توده ایران، این گردان پشاهانک طبقات زحمتکش مهن ما، در دوران سی و هشت ساله حیات خود توانسته است بهترین فرزندان وطن را به ایران عزیز تحویل دهد، در برابر حوادث سرخ‌رنگ و همچون کوه البرز بر جای بماند. امروز حزب ما نیروی پشترازی است که تمام کوشش خود را بمنظور استغاده عملی و خلاق از دانش جهان‌شمول طبقه کارگر بکار می‌برد و در راه تشکیل اتحاد تمام نیروهای شاد امپریالیستی مهن ما ایران، بسرای سرکوب ارتجاع و اعمال امپریالیسم، باخاطر رفاه توده‌های محروم و زحمتکش از همه گوشه‌های کوششی فرود گذار نمیکند. در این سالگرد افتخار - آفرین، ما بار دیگر با حزب خود عهد می‌بندیم که برای تحقق برنامه حزب تمام نیروی خود را بکار بریم.

با درود رفیقانه واحد حزب توده ایران در فیروزآباد فارس

## برای مرتضی کیوان کیوان ستاره بود

ما از نژاد آتش بودیم: همزاد آفتاب بلند، اما با سرنوشت تیره خاکستر.

عمری میان کوره بیداد سوختیم: او چون شراره رفت من با شکیب خاکستر ماندم.

کیوان ستاره شد تا بر فراز این شب فضاک امید روشنی را با ما نگاه دارد.

کیوان ستاره شد تا شب گرفتگان راه سپیده را بشناسند.

کیوان ستاره شد که یگوید آنگاه آتش است کز اندرون خوش بسوزد، وین شام تیره را بقرود.

من در تمام این شب یلدا دست امید خسته خود را در دستهای روشن او می‌گذاشتم.

من در تمام این شب یلدا ایمان آفتابی خورا از پرتو ستاره او گرم داشتم.

کیوان ستاره بود: با نور زندگی میکرد با نور درگذشت.

او در میان مردمک چشم ما نشست تا این ودیعه را روزی به صعبم سپاریم.

تهران، ۲۷ خرداد ۱۳۵۸

ه. ا. سیاه

درود به حزب ما، حزب توده ایران

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب را صمیمانه به شما و رفقای مبارز شادباش میکنم. حزب توده ایران که مهد پرورش نیروهای مین دوست وطن ما است، در درون خود رزم اوران جاودانی نظرمی‌سازد، روز به روز، حکمت‌چود تهبازی برور آورده است. حزب توده ایران، این گردان پشاهانک طبقات زحمتکش مهن ما، در دوران سی و هشت ساله حیات خود توانسته است بهترین فرزندان وطن را به ایران عزیز تحویل دهد، در برابر حوادث سرخ‌رنگ و همچون کوه البرز بر جای بماند. امروز حزب ما نیروی پشترازی است که تمام کوشش خود را بمنظور استغاده عملی و خلاق از دانش جهان‌شمول طبقه کارگر بکار می‌برد و در راه تشکیل اتحاد تمام نیروهای شاد امپریالیستی مهن ما ایران، بسرای سرکوب ارتجاع و اعمال امپریالیسم، باخاطر رفاه توده‌های محروم و زحمتکش از همه گوشه‌های کوششی فرود گذار نمیکند. در این سالگرد افتخار - آفرین، ما بار دیگر با حزب خود عهد می‌بندیم که برای تحقق برنامه حزب تمام نیروی خود را بکار بریم.

با درود رفیقانه واحد حزب توده ایران در فیروزآباد فارس

## اخبار کارگری

کارفرمای کارخانه کفش شادان پور، شخصی بنام حاجی معنوی، از شش ماه قبل شروع به فروختن وسایل کارخانه می‌کرد و مقدار زیادی هم وام به دولت بدهکار است، تا اینکه در تاریخ ۵۸/۷/۱۸ از کشور فرار میکند. در حال حاضر نیز مواد اولیه کارخانه تمام شده و ۶ نفر از کارگران این کارخانه بیکار و بلا تکلیف مانده‌اند.

شادان پور، شخصی بنام حاجی معنوی، از شش ماه قبل شروع به فروختن وسایل کارخانه می‌کرد و مقدار زیادی هم وام به دولت بدهکار است، تا اینکه در تاریخ ۵۸/۷/۱۸ از کشور فرار میکند. در حال حاضر نیز مواد اولیه کارخانه تمام شده و ۶ نفر از کارگران این کارخانه بیکار و بلا تکلیف مانده‌اند.

بخشنامه وزارت بهداشتی، کارگران صنوبر نگری را مشمول بیمه‌های اجتماعی نمیداند

طبق بخشنامه‌ی شماره ۱۳۳۸۱/۶، که به ادارات تابعین اجتماعی فرستاده شده است، کارگران صنوبر نگری مشمول پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرند و کارگران این صنوبر که مرتباً در معرض تماس با مواد شیمیائی هستند و به تازمین جدی نیازهای درمانی خود احتیاج دارند، از این حق محروم میشوند. کارگران خواستار رفع این تبعیض ناروا هستند.

رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران و رفع توقیف از روزنامه مردم، تبریکات صمیمانه خود را به شما و بوسيله شما به همه اعضاء و هواداران حزب تقدیم میداریم.

اعضاء و هواداران حزب توده ایران در غلورانی (ایتالیا)

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

آغاز سی و نهمین سال تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را گرمی میداریم و به شما رفقای ارجمند و بوسيله شما به همه اعضاء و هواداران حزب پر افتخاران صمیمانه شادباش میکنم و تجدید پیمان میکنم که بدون تزلزل به مبارزه در راه آرمانهای حزب طبقه کارگر ایران ادامه دهیم. سالزمان حزب توده ایران در ناروا هستند.

شادان پور، شخصی بنام حاجی معنوی، از شش ماه قبل شروع به فروختن وسایل کارخانه می‌کرد و مقدار زیادی هم وام به دولت بدهکار است، تا اینکه در تاریخ ۵۸/۷/۱۸ از کشور فرار میکند. در حال حاضر نیز مواد اولیه کارخانه تمام شده و ۶ نفر از کارگران این کارخانه بیکار و بلا تکلیف مانده‌اند.

بخشنامه وزارت بهداشتی، کارگران صنوبر نگری را مشمول بیمه‌های اجتماعی نمیداند

طبق بخشنامه‌ی شماره ۱۳۳۸۱/۶، که به ادارات تابعین اجتماعی فرستاده شده است، کارگران صنوبر نگری مشمول پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرند و کارگران این صنوبر که مرتباً در معرض تماس با مواد شیمیائی هستند و به تازمین جدی نیازهای درمانی خود احتیاج دارند، از این حق محروم میشوند. کارگران خواستار رفع این تبعیض ناروا هستند.

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

آغاز سی و نهمین سال تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را گرمی میداریم و به شما رفقای ارجمند و بوسيله شما به همه اعضاء و هواداران حزب پر افتخاران صمیمانه شادباش میکنم و تجدید پیمان میکنم که بدون تزلزل به مبارزه در راه آرمانهای حزب طبقه کارگر ایران ادامه دهیم. سالزمان حزب توده ایران در ناروا هستند.





اعتصاب در ایتالیا

مبارزه زحمتکشان جهان سرمایه‌داری پشرفته برای بهبود شرایط زندگی خود آهنگ تندتری بخود گرفته است. دوپست و هشتاد هزار تن از کارمندان و کارگران بانکهای ایتالیا دست به اعتصاب زده‌اند. قرابت اعتصاب‌های دیگری نیز در این کشور، که با بحران بزرگ اقتصادی درگیر است، صورت گیرد. کارکنان مؤسسات حمل و نقل نیز مدت ۴ ساعت دست از کار کشیدند. مقامهای وابسته به اتحادیه کارگران ایستگاه‌های فروش بنزین اعلام کردند که اعضای این اتحادیه نیز مدت ۲۴ ساعت دست از کار خواهند کشید.

«بشردوستان» متجاوز

محافل مترقی عرب و جهان اقدام‌های تازه اسرائیل را در مورد تأسیس آبادیهای نظامی تازه در سرزمین‌های اشغالی عرب محکوم کرده‌اند. رسانهای گروهی غرب می‌خواهند وانمود سازند که اسرائیل به اصطلاح سیاست «بشردوستانه» در پیش گرفته و این بار زمین‌های خصوصی را غصب نمی‌کند، بلکه برای ساختن آبادیهای تازه زمینهای عمومی اعراب را تصرف خواهد کرد. این سیاست ریاکارانه زمامداران تل‌آویو هیچ‌کس را فریب نداده است. روزنامه «اومانیت»، ارکان حزب کمونیست فرانسه، نوشته است که اقدام‌های تازه اسرائیل، تریکی تازه علیه اعراب است و تأکید می‌کند که این اقدامات هدف اصلی اسرائیل در مورد «حلر فصل» مسأله آلمین مشله خاورمیانه نشان میدهد. «اومانیت» نوشته است که اقدام‌های تازه با اصطلاح «بشردوستان» اسرائیلی نشان میدهد که هدف صهیونیستها انضمام سرزمینهای اشغالی به خاک اسرائیل است و سرور صد در مورد خود-مختاری، که با حمایت مصر و آمریکا بعمل می‌آید، پوششی برای تجاوزکاران اسرائیلی است. تا هدفهای واقعی خود را پنهان سازند.

اتحاد شوروی به حمایت خود از مبارزه حق طلبانه اعراب ادامه میدهد

مذاکرات رسمی حافظ‌اسد، رئیس جمهوری سوریه، با رهبران اتحاد شوروی در مسکو پایان یافت و دو کشور اعلام کردند که روابط خود را هر چه بیشتر تقویت خواهند کرد. آلکسی کاسیگین، نخست وزیر اتحاد شوروی، اعلام کرد که این کشور کماکان از مبارزه برحق اعراب و بویژه خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم حمایت میکند و کمک‌های لازم را در اختیار اعراب قرار میدهد. کاسیگین توافق‌های کمی بودید را محکوم کرد. «اومانیت» نوشته است که اتحاد شوروی را بر اعراب تحمیل کند و امپریالیسم آمریکا در حالی که از صلح سخن می‌گوید، کمک نظامی به صهیونیست‌های اسرائیل را افزایش میدهد. رئیس جمهوری سوریه از مواضع دولت ۲ حمایت کرد و گفت که پیشنهاد لثوری بر ژرف در مورد کارهای سازمان و تا نکات‌های شوروی در جمهوری دموکراتیک آلمان نشان میدهد که اتحاد شوروی صادقانه در راه صلح و رفاه ملت‌ها تلاش میکند.

در راه استحکام همبستگی احزاب کمونیست و جنبش‌های دمکراتیک و ملی

رهبران حزب کمونیست پر تقال و حزب کمونیست ایتالیا همبستگی، همکاری و اقدامات مشترک همه احزاب کمونیست و جنبش‌های دمکراتیک و ملی را، که بخاطر صلح، استقلال ملی، ترقیات اجتماعی و سوسیالیسم مبارزه میکنند، خاطر نشان نمودند. در اعلامیه مشترکی که مناسبت دیدار هیئت نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا، بریات برلینکو، از پر تقال انتشار یافت، گفته میشود که هیئت نمایندگی و حزب خندا کراتی پیرامون مسائل مربوط به اوضاع پر تقال و ایتالیا و نیز مهمترین مسائل بین‌المللی انجام دادند. حزب کمونیست ایتالیا و حزب کمونیست پر تقال عزم راسخ خود را برای دفاع از حق حاکمیت استقلال کشورهای خود و مخالفت جدی خود را با هر گونه مداخله در امور داخلی کشورها ابراز داشتند.

هیئت‌های نمایندگی و حزب اهمیت فراوان نقش احزاب کمونیست را در زندگی کشورهای خود تأکید کردند و ضرورت شرکت این احزاب را در حل مسائل ملی کشور در تمام سطوح و از آن جمله در سطح دولت متذکر شدند.

نقش کمونیست‌ها در جنبش انقلابی در سالوادور

خورخه‌خاندال، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سالوادور، طی یک مساجبه مطبوعاتی، از گسترش مبارزه انقلابی مردم سالوادور و نقش حزب کمونیست در این جنبش اظهار تری کرد. خاندال خاطر نشان ساخت که در حال حاضر جنبش‌های انقلابی در کشورهای آمریکای مرکزی روبه‌اعتلا و گسترش است. نخستین نتایج این جنبش، پیروزی انقلاب در نیکاراگوئه بود، که به‌رژیم دیکتاتوری سوموزا پایان بخشید. اکنون در سالوادور جنبش انقلابی ضد دیکتاتوری، که در آن نمایندگان همه اقشار و طبقات شرکت دارند، گسترش می‌یابد. حزب کمونیست سالوادور در این جنبش انقلابی نقش مهم و مؤثری دارد. کمونیست‌ها در راه تشکیل جبهه واحد میکنند و معتقدند که وجود جنبش‌های تدوین استراتژی و تاکتیک مشترک نیروهای شرکت کننده در جنبش انقلابی را میسر می‌سازد.

زحمتکشان اسرائیل در فشارند

سیاست‌های تجاوزکارانه و جنگ طلبانه صهیونیست‌های اسرائیلی، باری شاق پرورش زحمتکشان این کشور است اداره مرکزی آمار اسرائیل اعلام کرده که تنها در سوامبر سال جاری، هزینه زندگی در این کشور هشت درصد افزایش یافته است. بنا به گزارش همین اداره در سال جاری، تاکنون ۶۵ درصد بر هزینه زندگی اضافه شده و از سال ۱۹۷۶ تاکنون، هزینه زندگی ۴۳ درصد افزایش یافته است. دلیل اصلی افزایش لیجام گسخته تورم، هزینه های نظامی کشور است که دارورسته صهیونیست‌های تل‌آویو، با رأسی طرح‌های تجاوزکارانه خود را پرورش زحمتکشان گذاشته‌اند.

افشای کارزار تبلیغاتی آمریکا علیه اتحاد شوروی و کوبا

روزنامه «گرانما» کوبا، طی تفسیری، کارزار تبلیغاتی ضد شوروی و ضد کوبا را، که به بهانه «حضور نظامی شوروی در کوبا» دامن زده میشود، افشا میکند در این تفسیر آمده است که:

«رئیس‌جمهور آمریکا، کارتر، در ماهیت امر اعتراف میکند که از سال ۱۹۶۲ به بعد، در زمینه همکاری نظامی کوبا و اتحاد شوروی هیچگونه تغییری روی نداده است و از این لحاظ هیچگونه خطری آمریکا را تهدید نمیکند، اما رئیس‌جمهور آمریکا به این پرسش که، چه عواملی موجب دامن زدن این کارزار تبلیغاتی علیه کوبا و اتحاد شوروی و ایجاد بحران ساختگی گردیده، پاسخ نمیدهد. «گرانما» مینویسد:

«روشن است که رئیس‌جمهور آمریکا نمیتواند چنین پاسخی بدهد، زیرا که در غیر اینصورت میبایست اعتراف نماید که تلاشی برای اعمال فشار از طریق کانالهای دیپلماتیک، در آستانه تشکیل کنفرانس کشورهای غیر-متصددها و نا، بمنظور جلوگیری از تشکیل آن و بی‌ارزش کردن نقش کوبا در میان جنبش غیرمتصددها و تلتمن این مطلب که کوبا کشوری است وابسته به شوروی، با شکست روبرو گردیده است. در این حال این سخنمیزی مضحک پیرامون مسئله حضور نظامی شوروی، در کوبا گنشی است از جانب دولت آمریکا در برابر از تیجایی‌ترین محافظ امپریالیستی آن کشور، که هنوز در ریاضای سیاست متکی به اعمال قدرت هستند و تصویب قرارداد سال ۲ (محدود کردن سلاح‌های استراتژیک) با اتحاد شوروی را به بهای غیر قابل قبولی، مشروط میکنند. این محافل نسبت به کوبا سیاست اعراب و محاصره را دنبال میکنند و میکوشند که به نقش بین‌المللی کوبا لطمه وارد سازند و در راه فعالیت کوبا سوسیالیستی بعنوان اداره کننده جنبش کشور های غیرمتصددها، در فاصله میان کنفرانس هاوانا تا کنفرانس آینده این جنبش، خرابکاری کنند»

روزنامه «گرانما» در پایان تفسیر خود اضافه میکند، «سرانجام کارزار تبلیغاتی ضد کوبا و اتحاد شوروی و ایجاد بحران ساختگی در دو حوزه دریای کارائیب هدف دیگری را نیز در بر دارد. امپریالیسم آمریکا با ایجاد بحران ساختگی، حضور نظامی خود در این منطقه را گسترش میدهد و بدینوسیله رژیم‌های مترقی در کشورهای این منطقه را مسرود تهدید نظامی قرار میدهد»

روزنامه «گرانما» در پایان تفسیر خود اضافه میکند، «سرانجام کارزار تبلیغاتی ضد کوبا و اتحاد شوروی و ایجاد بحران ساختگی در دو حوزه دریای کارائیب هدف دیگری را نیز در بر دارد. امپریالیسم آمریکا با ایجاد بحران ساختگی، حضور نظامی خود در این منطقه را گسترش میدهد و بدینوسیله رژیم‌های مترقی در کشورهای این منطقه را مسرود تهدید نظامی قرار میدهد»

روزنامه «گرانما» در پایان تفسیر خود اضافه میکند، «سرانجام کارزار تبلیغاتی ضد کوبا و اتحاد شوروی و ایجاد بحران ساختگی در دو حوزه دریای کارائیب هدف دیگری را نیز در بر دارد. امپریالیسم آمریکا با ایجاد بحران ساختگی، حضور نظامی خود در این منطقه را گسترش میدهد و بدینوسیله رژیم‌های مترقی در کشورهای این منطقه را مسرود تهدید نظامی قرار میدهد»

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

سی و هشتین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، را که همراه با انتشار مجله روزنامه «مردم» است، به‌شما و همه اعضای و هواداران حزب توده ایران، تبریک می‌گویم و بدینوسیله آمادگی خود را برای به‌مسر رساندن اهداف انقلابی و انسانی حزب توده ایران اعلام میداریم.

زنده باد حزب توده ایران حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران هواداران حزب توده ایران در رودبار گیلان

«مردم» حزب توده ایران نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸۹۳۳۳۵۹ چاپ: کلویان

مردم پرچم آمریکا و اسرائیل را آتش زدند

در پایان سه‌روزه سیاسی، گروه کثیری از مردم دیروز در میدان فلسطین اجتماع کردند و در حضور هانی الحسن و دیگر نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین پرچم های آمریکا و اسرائیل را به آتش کشیدند.

در این تفسیر آمده است که: «رئیس‌جمهور آمریکا، کارتر، در ماهیت امر اعتراف میکند که از سال ۱۹۶۲ به بعد، در زمینه همکاری نظامی کوبا و اتحاد شوروی هیچگونه تغییری روی نداده است و از این لحاظ هیچگونه خطری آمریکا را تهدید نمیکند، اما رئیس‌جمهور آمریکا به این پرسش که، چه عواملی موجب دامن زدن این کارزار تبلیغاتی علیه کوبا و اتحاد شوروی و ایجاد بحران ساختگی گردیده، پاسخ نمیدهد. «گرانما» مینویسد:

«روشن است که رئیس‌جمهور آمریکا نمیتواند چنین پاسخی بدهد، زیرا که در غیر اینصورت میبایست اعتراف نماید که تلاشی برای اعمال فشار از طریق کانالهای دیپلماتیک، در آستانه تشکیل کنفرانس کشورهای غیر-متصددها و نا، بمنظور جلوگیری از تشکیل آن و بی‌ارزش کردن نقش کوبا در میان جنبش غیرمتصددها و تلتمن این مطلب که کوبا کشوری است وابسته به شوروی، با شکست روبرو گردیده است. در این حال این سخنمیزی مضحک پیرامون مسئله حضور نظامی شوروی، در کوبا گنشی است از جانب دولت آمریکا در برابر از تیجایی‌ترین محافظ امپریالیستی آن کشور، که هنوز در ریاضای سیاست متکی به اعمال قدرت هستند و تصویب قرارداد سال ۲ (محدود کردن سلاح‌های استراتژیک) با اتحاد شوروی را به بهای غیر قابل قبولی، مشروط میکنند. این محافل نسبت به کوبا سیاست اعراب و محاصره را دنبال میکنند و میکوشند که به نقش بین‌المللی کوبا لطمه وارد سازند و در راه فعالیت کوبا سوسیالیستی بعنوان اداره کننده جنبش کشور های غیرمتصددها، در فاصله میان کنفرانس هاوانا تا کنفرانس آینده این جنبش، خرابکاری کنند»

روزنامه «گرانما» در پایان تفسیر خود اضافه میکند، «سرانجام کارزار تبلیغاتی ضد کوبا و اتحاد شوروی و ایجاد بحران ساختگی در دو حوزه دریای کارائیب هدف دیگری را نیز در بر دارد. امپریالیسم آمریکا با ایجاد بحران ساختگی، حضور نظامی خود در این منطقه را گسترش میدهد و بدینوسیله رژیم‌های مترقی در کشورهای این منطقه را مسرود تهدید نظامی قرار میدهد»

روزنامه «گرانما» در پایان تفسیر خود اضافه میکند، «سرانجام کارزار تبلیغاتی ضد کوبا و اتحاد شوروی و ایجاد بحران ساختگی در دو حوزه دریای کارائیب هدف دیگری را نیز در بر دارد. امپریالیسم آمریکا با ایجاد بحران ساختگی، حضور نظامی خود در این منطقه را گسترش میدهد و بدینوسیله رژیم‌های مترقی در کشورهای این منطقه را مسرود تهدید نظامی قرار میدهد»

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران

سی و هشتین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، را که همراه با انتشار مجله روزنامه «مردم» است، به‌شما و همه اعضای و هواداران حزب توده ایران، تبریک می‌گویم و بدینوسیله آمادگی خود را برای به‌مسر رساندن اهداف انقلابی و انسانی حزب توده ایران اعلام میداریم.

زنده باد حزب توده ایران حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران هواداران حزب توده ایران در رودبار گیلان

«مردم» حزب توده ایران نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸۹۳۳۳۵۹ چاپ: کلویان



انقلاب سفید شاه! اصلاحات ارضی! نابودی فتودالها!

زیرا شخصاً در فارس مالک اراضی هستید، اگر بخواید بدانید فتودال وارباب شمار است یانه، از آن کشاورزی که مزه تفنگ زاندارم را شمشیر میکند، تمامان مالک بزرگ حفظ شود. در همان مساجبه مطبوعاتی، خبرنگاری که تصریح کرد باقتضای شغلش در زادبوم، با محیط کشاورزی آشنائی دارد، گفت: نتیجه آن میشود که کشاورزی که در محیل است، می‌بندد که زاندارم از فتودال قدیم دفاع میکند. با تفنگ هم دفاع میکند. (انقلاب اسلامی ۱۹ مهر) اما بزعم آقای وزیر کشاورزی، «فتودال و فتودالیته قطع یک شمار است و مستانداره! متأسفانه نمونه‌ها و مثالها در تائید این واقعیت دردناک که فتودالیته از بین نرفته و فقط شعار نیست، بلکه مالکن و زمینداران سر بلند میکنند و به دهقانان فشار می‌آورند و زمین آنها را می‌گیرند و حتی مشروب و زنده‌انی‌شان میکنند و از چاق‌قداران خصوصی و از زاندارمهای دولتی استفاده میکنند، بسیار زیاد است. این نمونه‌ها ادعای آقای وزیر کشاورزی را، که اصلاحات ارضی شامل مخلوع، بزرگ مالکی را از بین برده و آنها دیگر فعالیت میدهند نمیکند، کاملاً رد میکند.

در همین صفحات معدود روزنامه «مردم»، نمونه‌های متعدد این خسوردها و زورگوتهای مالکن و چاق‌بدستان و تفنگداران باها و پارها تمسک شده است. اسلا چرا راه دور برویم. برادر خود آقای وزیر در فارس چندین ده و چند صد هکتار زمین زروعی دارد و کار فشار آوردن به دهقانان زحمتکش را بجائی رسانده که هفت تن از آنها را با افعال نفوذ زنده‌انی کرده است اگر انما قبول نمیکند، از خود اخوی و یا از حجت‌الاسلام مستغیب داستان دادگاه انقلاب فارس، بپرسید، اگر چه خودتان بهتر میدانید

در همین صفحات معدود روزنامه «مردم»، نمونه‌های متعدد این خسوردها و زورگوتهای مالکن و چاق‌بدستان و تفنگداران باها و پارها تمسک شده است. اسلا چرا راه دور برویم. برادر خود آقای وزیر در فارس چندین ده و چند صد هکتار زمین زروعی دارد و کار فشار آوردن به دهقانان زحمتکش را بجائی رسانده که هفت تن از آنها را با افعال نفوذ زنده‌انی کرده است اگر انما قبول نمیکند، از خود اخوی و یا از حجت‌الاسلام مستغیب داستان دادگاه انقلاب فارس، بپرسید، اگر چه خودتان بهتر میدانید

در همین صفحات معدود روزنامه «مردم»، نمونه‌های متعدد این خسوردها و زورگوتهای مالکن و چاق‌بدستان و تفنگداران باها و پارها تمسک شده است. اسلا چرا راه دور برویم. برادر خود آقای وزیر در فارس چندین ده و چند صد هکتار زمین زروعی دارد و کار فشار آوردن به دهقانان زحمتکش را بجائی رسانده که هفت تن از آنها را با افعال نفوذ زنده‌انی کرده است اگر انما قبول نمیکند، از خود اخوی و یا از حجت‌الاسلام مستغیب داستان دادگاه انقلاب فارس، بپرسید، اگر چه خودتان بهتر میدانید

در شماره ۶۷ «مردم»، در مقاله طرح اجمالی برای نوسازی ارتش، زیر عنوان «نوسازی ارتش»، سطر اول، باید خواننده شود «نماینده امام نوسازی ارتش ارتباط محوی به سیاست داخلی و خارجی دارد. صحیح در شماره ۶۸ «مردم»، صفحه دوم، بجای «گزارش لرزاننده امام خمینی در باره حوادث کردستان، باید خواننده شود «نماینده امام خمینی، بدینوسیله از این اشتباهات بجای ورزش می‌طلبیم.

تبریک بمناسبت تأسیس و گشایش مجدد دبیرخانه حزب پر افتخار توده ایران تا گشت کشوره حزب روشنگر ما کوئی که کشوره شد جهانی بر ما آری... که جهانی است پر انداختن و داد تبریک به حزب توده کشور ما شاعر شهریار: سعادت